

جزوه اسناد تجاری

استادفرشید فرحناکلیان

کاری از مفسن امسانی



فصل اول

برای



فصل اول: برات

مبحث اول: صورت برات

مندرجات قانونی برات:

1. صورت برات:

✓ در هیچ موردی قانونگذار استفاده از فرم چاپی را الزامی ندانسته است. ق.ت نوشتن با دست یا ماشین نویس یا ... را الزامی ندانسته است. عمل نوشتن توسط کسی که برات را صادر می کند (براتکش) نیز ضرورت ندارد. الصاق تمبر به سفته و برات **ضروری** است و عدم الصاق آن **جریمه** به دنبال دارد ولی موجب بی اعتباری این اسناد نیست.

2. قید کلمه ورقه برات:

✓ صرف وجود کلمه برات در روی ورقه، دلیلی بر قابل ظهنویسی بودن آن است؛ پس لزومی ندارد که در ورقه برات قید (به حواله کرد) هم درج شود؛ بنابراین این قید اخیر که در ورقه های چاپی وزارت دارایی، علاوه بر قید کلمه برات دیده می شود، فقط نوعی **تاکید** است.

3. تاریخ و محل تحریر:

✓ در صورتی برات شامل مقررات راجع به بروات نمی شود که هیچگونه تاریخی نداشته باشد یا روز یا ماه و سال تحریر آن مشخص نباشد.

✓ برای قید تاریخ صدور مزایایی مترتب است: 1- مشخص صلاحیت برات دهنده در تاریخ صدور است 2- تعیین قانون حاکم بر قضیه، زیرا اسناد از حیث صدور تابع قانون حاکم در زمان صدور خود می باشند 3- تعیین مرور زمان دعوا. 3- تشخیص سر رسید برات.

✓ تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود.

اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناطق اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

■ نوشتن تاریخ با رقم برات را از اعتبار ساقط نمی کند و همچنین عدم قید مبلغ برات به تمام حروف موجب خروج برات از شمول مقررات برواتی نمی شود.



✓ **قید محل صدور برات اجباری نیست** ولی ذکر آن از این نظر مفید است که هرگاه برات متضمن یک عنصر خارجی باشد و یا قوانین حاکم بر برات متعارض باشند، قانون محل صدور برات از بسیاری جهات حل تعارض خواهد کرد. و در حقوق داخلی ما نیز تعیین محل صدور برات گاه به تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده کمک می کند. در صورتیکه محل صدور برات ذکر نشود **اقامتگاه برات دهنده** میتواند محل صدور برات تلقی شود.

✓ به نظر می رسد اگر محل صدور یا اقامت صادر کننده در **سفته** (نه برات) درج نگردد **محل تادیه**، محل صدور یا اقامت صادر کننده محسوب می گردد.

✓ مکان صدور برات باید واقعیت داشته باشد و خیالی نباشد و الا مانند آن است که اصولاً نام محل صدور برات قید نشده باشد.

4. تعیین شخصی که باید برات را تادیه کند:

✓ قید نام شخصی که به پرداخت برات دعوت می شود باید توسط صادر کننده انجام گیرد.

✓ اضافه کردن نام براتگیر توسط خود براتگیر، صحت برات را در زمان صدور **تسجیل نمی کند** و در صورتی که معلوم شود برات **حین صدور** فاقد نام براتگیر بوده است، **مشمول مقررات برات نخواهد بود.**

✓ صادر کننده نمی تواند بر روی شخصی که واقعاً وجود ندارد برات صادر کند و فی الواقع کسی که چنین براتی صادر می کند که محال علیه ندارد کاری نمی کند جز اینکه خود را متعهد می کند. چنین سندی **با رعایت سایر شرایط قانونی** باید سفته تلقی شود که در مورد آن محال علیه مصداق ندارد و از نظر **کیفری** در صورتیکه صادر کننده ی چنین براتی روی آن معامله ای انجام دهد کلاهبرداری محسوب خواهد شد.

✓ صادر کننده می تواند بر روی خود برات صادر کند و براتگیر محسوب گردد.

▪ **در این صورت برات یک سفته در نظر گرفته می شود.**

✓ برات را میتوان بر عهده ی چند براتگیر صادر کرد بنابراین براتگیر محتمل است واحد باشد یا متعدد. ولی براتگیر را نمی توان مردد بین چند نفر قرار داد.

✓ هرگاه براتی که بر عهده ی چند براتگیر صادر می شود، توسط تمامی آنها قبول و امضا نگردد **مشمول مقررات برات نخواهد بود** و صرفاً در برابر **امضا کنندگان** آن قابلیت استناد خواهد داشت و در این صورت امضا کنندگان علی الاطلاق مسئولیت **مشترک (نسبی)** خواهند داشت. و در

صورت ظهر نویسی برات موصوف، ظهر نویسی **باطل** بوده و مشمول مقررات بروات تجاری نخواهد بود.

✓ چنانچه سند تجاری توسط چند صادر کننده اصدار یابد مسئولیت مشروطه به نحو **تضامن** عهده هر کدام از آنها خواهد بود. (مبحث مسئولیت)

5. تعیین مبلغ برات:

✓ ملاک معین بودن مبلغ و واحد آن عرفی است.

✓ اگر برات متضمن **تعهد غیر پولی** باشد چنین نوشته ای دیگر سند تجاری قلمداد نمی گردد بلکه فقط یک سند عادی است.

6. تاریخ تادیه برات:

✓ تاریخ مذکور باید به روز و ماه و سال مشخص گردد و قابل تشخیص باشد و الا تاریخ تعیین شده به حساب نخواهد آمد و برات مشمول مقررات برواتی نخواهد بود.

✚ به نظر می رسد اگر سررسید در **سفته (نه برات)** درج نگردد سفته عند المطالبه محسوب می شود.

7. مکان تادیه وجه برات:

✓ درج مکان تادیه **جز در مورد برات** الزامی نیست.

✓ می توان هر محلی را برای تادیه وجه انتخاب نمود.

✓ به نظر می رسد وفق مقررات مربوط به برات و سفته در صورتیکه مکان پرداخت مبلغ برات مشخص نباشد، اقامتگاه براتگیر مکان پرداخت تلقی گردد.

✓ از آنجا که نشانی براتگیر معمولاً در کنار نام او و روی برگه های چاپی برات نوشته می شود معمولاً در عمل مشکلی در این باره پیش نمی آید، لیکن اگر چنین نشانی ای وجود نداشته باشد، برات فاقد قید محل اقامت براتگیر است و مشمول مقررات برواتی نمی شود، حتی اگر بعداً و حین قبول، قبول کننده (براتگیر) نشانی خود را روی آن قید کرده باشد.

✓ استفاده از بانک براتگیر به عنوان مکان تادیه مزایای متعددی دارد: 1- برای دارنده برات آسانتر است که با بانک براتگیر ارتباط داشته باشد تا با خود او به ویژه اگر محل اقامت او غیر قابل دسترسی باشد. 2- اگر برات توسط بانک دیگری تنزیل شده و به نفع همان بانک ظهر نویسی شود پرداخت از طریق حواله میان دو بانک صورت خواهد گرفت و نیازی به انتقال پول نقد نخواهد

بود. 3- براتگیر به جای آنکه پول نقد را برای پرداخت به موقع برات نزد خود نگاه دارد آنرا به بانک می سپارد که مطمئن تر است.

✓ تعیین بانک براتگیر به عنوان مکان پرداخت ، به این معنا نیست که بانک، محال علیه برات است. بانک در واقع کاری جز پرداخت برات به دستور براتگیر نمی کند و از نظر حقوقی وکیل براتگیر است.

✓ در حقوق داخلی، تعیین مکانی غیر از محل اقامت براتگیر در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده تاثیر می گذارد. به نظر می رسد اگر براتگیر بخواهد مکان تادیه را که در داخل همان شهر معین گردیده توسط براتکش تغییر دهد، ایرادی نداشته باشد ولی چنانچه براتگیر بخواهد محل پرداخت وجه برات را از شهر معین گردیده به یک شهر دیگر تغییر دهد، چنین تغییری پذیرفته نیست.

8. قید نام شخصی که برات در وجه یا به حواله کرد او پرداخت می شود:

✓ برخلاف سفته و چک، صدور برات در وجه حامل، اعتبار قانونی ندارد و مشمول مقررات برواتی نیست و انتقال آن فقط با رعایت مقررات ق.م راجع به انتقال طلب امکانپذیر است.

✓ باید دقت داشت که ظهنویسی برات به صورت حامل بدون اشکال است.

✓ شخص مورد نظر می تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد، قید نام چنین شخصی نیز تابع شکل خاصی نیست و کافی است از آنچه که نوشته شده است بتوان ذینفع را معین کرد.

✓ قید عباراتی نظیر (ریس شرکت فلان) و (معاون فلان موسسه) کافی نیست چرا که نمی توان سمت اشخاص را به جای نام آنها در برات قید کرد.

✓ برای آنکه برات بتواند به عنوان یک سند تجاری قابل انتقال باشد لازم نیست قید به حواله کرد در آن قید شود. برعکس هرگاه در ورقه های چایی برات قید حواله کرد خط خورده باشد، با درج شرط غیر قابل ظهن نویسی، برات قابل ظهن نویسی نیست. مع ذلک خط خوردگی قید حواله کرد بدین معنا نیست که برات از طریق مدنی قابل انتقال نباشد. این نحوه تعیین دارنده اگرچه قابلیت نقل و انتقال سند را محدود می کند اما برای صادر کننده این مزیت را دارد که خود را از قرار گرفتن در برابر دارنده ثالث با حسن نیت مصون می دارد. به علاوه دارنده چنین سندی از جهت خطرات ناشی از فقدان و سرقت، امنیت بیشتری خواهد یافت.

✓ صادر کننده (براتکش) می تواند در وجه خود برات صادر نماید و دارنده محسوب گردد.

▪ امتیاز صدور برات در وجه خود آن است که صادر کننده قبل از به گردش انداختن

برات آنرا به قبولی براتگیر می رساند و آنرا با اطمینان بیشتری به گردش می اندازد.

▪ برات صادره در وجه خود قبل از قبولی براتگیر نیز قابل ظهرنویسی است.

✓ ظهرنویسی سند تجاری که انتقال آن با قلم گرفتگی به حواله کرد یا درج عبارات دارای معنای مشابه منع شده است، انتقالی عادی است.

✓ انتقال عادی یا ساده: انتقالی که به موجب آن انتقال دهنده حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است، استناد نماید.

✓ در برات می توان نام چند نفر را به عنوان برات گیر ذکر نمود که در اینصورت دارندگان برات باید مجتمعاً عمل نمایند و براتگیر نمی تواند برات را در وجه یکی از دارندگان پرداخت نماید.

9. تعدد نسخ برات:

- ✓ کلیه نسخ فقط مربوط به یک تعهد است و باید متن آنها کاملاً یکنواخت باشد و بر روی هر کدام قید شود که نسخه اول است یا دوم یا سوم یا
- ✓ هرگاه از ابتدا برات در یک نسخه تنظیم شده باشد، مطالبه صدور مجدد برات از برات دهنده مجوز قانونی نخواهد داشت.
- ✓ فواید صدور در چند نسخه: 1- در صورت گم شدن یکی از نسخ میتوان نسخه دیگری را به براتگیر ارائه داد و از مراجعه مجدد به صادر کننده خودداری کرد. 2- برای جلوگیری از مفقود شدن برات، دارنده یک نسخه را برای براتگیر ارسال می کند و دیگری را نزد خود نگه می دارد تا نسخه قبول شده به او اعاده شود.
- ✓ هرگاه برات در چندین نسخه صادر شود و روی بعضی از نسخ آن شماره ترتیب ذکر نشده باشد، دارنده با حسن نیت را از مزایای تجارتی چنین سندی محروم نمیسازد.
- ✓ پرداخت برات به موجب نسخ دیگر را زمانی میسر دانسته که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه، نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.
- ✓ هرگاه برات در نسخ متعدد نوشته شده باشد فقط نسخه ای که باید قبولی روی آن نوشته شود به براتگیر ارائه خواهد شد.

10. امضاء یا مهر صادر کننده:



- ✓ لازم نیست که مانند اسناد دیگر برات حتماً متضمن امضای صادر کننده باشد، بلکه مهر او نیز به برات اعتبار سند تجاری را می دهد. (در صورتیکه در ظهنویسی فقط امضای ظهننویس معتبر است و اثر انگشت ظهننویس امضا محسوب می گردد).
- ✓ اثر انگشت صادر کننده امضاء محسوب می گردد.
- ✓ هرگاه مطابق اساسنامه شرکت، صدور برات باید به امضای دو مدیر باشد ولی براتی صادر شود و فقط یکی از مدیران امضاء کند، فقط خود مدیر صادر کننده مسئول است.

انواع مندرجات اختیاری برات:

توضیح: شرایط اختیاری در سندیت و ارزش برات تأثیری ندارد و فقط میان کسانی که به آنها رضایت داده اند موثر است. قبول برات توسط دارنده، قبول آن دسته از مندرجات اختیاری محسوب می شود که حین تسلیم برات به دارنده موجود بوده اند، جز در مواردی که او به صراحت مخالفت خود را بیان کرده است. **درج شرط** در سند در زمره ی مندرجات اضافی **غیر مجاز** تلقی می گردد. ضمانت اجرای عدم رعایت این ممنوعیت، **خارج شدن سند از شمول اسناد تجاری است.**

1. شرایط مربوط به پرداخت توسط براتگیر.
2. شرایطی که حاکی از علت صدور یا علت انتقال برات است:
 - ✓ درج سبب صدور سند، اثبات ارتباط صدور سند با منشاء آن را آسان می سازد در نتیجه در حل اختلافات احتمالی آینده میان صادر کننده و اولین دارنده سند کاملاً به کار می آید.
3. شرایطی که حاکی از پیوستن اشخاص جدیدی به مسئولان برات است.
4. شرایط مربوط به انتقال برات:
- ✓ مانند قید عبارت بدون حواله کرد که حاکی از غیر قابل ظهننویسی بودن برات است.
5. شرایط مربوط به تعدد نسخ و یا راجع به وکالت در صدور.

❖ در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات 2 - 3 - 4 - 5 - 6 - 7 و 8 ماده 223 نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتی نخواهد بود. **دقت شود که بند یک شامل نمی شود.**



- تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).
 - اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.
 - تعیین مبلغ برات.
 - تاریخ تأدیه وجه برات.
 - مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.
 - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.
 - تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.
- ❖ هرگاه برات تمام مندرجات قانونی راجع به سفته را داشته باشد، سفته تلقی می شود و الا سند عادی است.
- ❖ با توجه به سکوت ق.ت نسبت به ضمانت اجرای عدم قید کلمه برات، لاجرم برات بودن سند باید ثابت گردد. در این راه **1-** امارات قضایی راهگشاست. مع ذلک در صورت فقدان هرگونه اماره قضایی گریزی نیست که **2-** بار اثبات برای بودن سند به دوش مدعی آن قرار گیرد، وضع در مورد سفته و چک نیز به همین صورت است.
- ❖ تغییر مندرجات برات به دو شکل است: **1-** تغییراتی که فرد با سوء نیت مرتکب آن می شود و مشمول مقررات جزایی در باره جعل و تزویر در اسناد می شود. **2-** تغییراتی که بدون سوء نیت در آن داده می شود. به طور کلی امضاء کنندگان برات مسئول پرداخت برات به طریقی می باشند که امضاء کرده اند. اگر امضا قبل از وقوع تغییرات به عمل آمده است تعهدات امضا کننده بر اساس برات تغییر نیافته است و اگر امضا بعد از وقوع تغییرات بر روی برات گذاشته شده باشد تعهد امضا کننده بر اساس برات تغییر یافته است. این راه حل ناشی از اصل نسبیت قراردادهاست.
- ❖ در عرف و عادت تجاری صدور برات ناقص با این تفسیر که دارنده آن اختیار دارد به میل خود نواقص آن را کامل کند **اشکالی ندارد**. البته باید در نظر داشت که برات ناقص قبل از سر رسید باید تکمیل گردد.
- ❖ در صورتی می توان برات کامل شده را در اصل کامل فرض کرد که **دارنده** (نه صادر کننده) اول قبل از ظهر نویسی آنرا تکمیل کرده باشد.
- ✚ ضمانت قبل از تکمیل سند معتبر دانسته شده.
- ❖ شرایط ماهوی برات:
1. رضایت:
- ✓ در حقوق ایران امضا در صورتی معتبر است که **با دست صورت** گرفته باشد.

- ✓ امضا به وسیله مهر و مهر امضا فقط برای **صدور و قبول** مورد قبول است.
- ✓ در صورتیکه صادر کننده خود برات را امضا کرده اما آن را تسلیم نکرده و برات به دست شخص ثالثی افتاده باشد، صادر کننده مسئول نیست زیرا تسلیم برات با رضایت او انجام نگرفته.
- ✓ وکالت در صدور بیشتر زمانی مصداق پیدا می کند که، مدیر یک شخص حقوقی به نام و به حساب آن شخص حقوقی مبادرت به صدور برات کند. در اینجا مدیر باید سمت خود و نام شخص حقوقی را که به نام و حساب او مبادرت به صدور برات کرده است قید کند. چنانچه این برات (یا سفته) در سر رسید مواجه با عدم تادیه گردد، دادگاه فقط خود شرکت را محکوم خواهد کرد و مدیر محکوم نمی گردد.
- ✓ هرگاه صدور برات از ناحیه شرکت باشد و مدیر از حدود اختیارات تفویض شده در اساسنامه تجاوز کند و این تحدید اختیارات مدیر در برابر اشخاص ثالث قابلیت استناد داشته باشد، در اینصورت مدیر نسبت به مبلغ مازاد، براتکش محسوب شده و مسئول می باشد.
- ✓ بدیهی است چنانچه تحدید اختیارات مدیر در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نباشد شرکت موظف به انجام تعهدات براتی خود و متعاقباً دارای حق رجوع به مدیر متعدی خواهد بود.
- ✓ برات ممکن است به نام صادر کننده و به حساب دیگری صادر شود که این عمل نوعی حق العمل کاری است و کاملاً مجاز است:
 - اولاً دارندگان برات حق مراجعه به وکیل (صادر کننده) را دارند.
 - ثانیاً دارنده حق مراجعه مستقیم به آمر را ندارد زیرا میان آنها رابطه قراردادی موجود نیست.
 - ثالثاً روابط میان آمر و صادر کننده تابع مقررات عام وکالت است؛ مگر آنچه به موجب مواد راجع به حق العمل کاری استثناء شده است. بنابراین صادر کننده پس از پرداخت در صورتی می تواند به آمر مراجعه کند که قرارداد وکالت را رعایت کرده باشد.
 - رابعاً رابطه ی میان براتگیر و آمر نیز تابع مقررات عام وکالت است، بنابراین براتگیری که وجه برات را بدون دریافت محل پرداخت کرده باشد حق مراجعه به آمر را دارد.

2. اهلیت:

- ✓ هرگاه صادر کننده براتی فاقد اهلیت معامله براتی باشد، تعهد او **باطل** است، لیکن تعهد مسئولان دیگر برات به قوت خود باقی خواهد بود این امر ناشی از اصل استقلال امضاهاست.



3. جهت صدور برات:

✓ **اولاً** بین صادر کننده و دارنده اول، صحت صدور برات مانند هر معامله دیگری، منوط به مشروعیت جهت آن است. **ثانیاً** هرگاه در متن برات علت نامشروع صدور آن قید شده باشد، دارندگان متوالی برات برای تقاضای پرداخت مبلغ مندرج در برات حق مراجعه به متعهد قبل از خود را ندارند زیرا به دلیل بطلان برات رابطه برواتی وجود ندارد تا با استناد به آن بتوان از کسی که برات را امضا کرده است وجه آنرا مطالبه کرد. در این وضعیت باید از تاسیس حقوقی دارا شدن بلا جهت استفاده کرد که یک تاسیس غیر قراردادی است. **ثالثاً** هرگاه علت برات در متن آن قید نشده باشد، طبیعت برات و استقلال تعهد براتی نسبت به تعهد اصلی ایجاب می کند که عدم مشروعیت معامله ای که اساس صدور برات بوده است به دارنده برات ارتباطی نداشته باشد و چنین دارنده ای با حسن نیت تلقی می شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در صورت اثبات خلاف نیز در صورتیکه انتقال دهنده به ضرر دارنده دارا شده باشد، باید آنچه را از دارنده دریافت کرده است و به جای آن برات باطل را در اختیار او قرار داده است به وی برگرداند. **رابعاً** در مقابل طرفین قرارداد اصلی یا دارندگان با سوء نیت یعنی دارندگانی که به نامشروع بودن جهت برات آگاهی داشته اند، ایراد بطلان تعهد براتی به تبع بطلان تعهد اصلی، همیشه میسر است.

مبحث دوم: در قبول و نکول برات

- ❖ قبولی برات: عبارت است از تعهد براتگیر به اینکه وجه برات را در سر وعده پردازد.
- ❖ زمان قبولی برات تا سررسید برات است این امر چند استثناء به شرح زیر دارد:
 - ممکن است براتکش در برات قید کند که برات بعد از مدت معینی برای قبولی ارائه شود.
 - اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در همان مدت تقاضای قبولی کند.
 - در صورتیکه برات به رویت باشد به ارائه برات برای قبولی نیازی نیست.
 - ممکن است اصل آزادی دارنده برات در ارائه برات برای قبولی با قید عبارت «قبولی اجباری است» محدود شود.

▪ زمانی که در برات عبارت «قبولی ممنوع است» درج می شود، منظور براتکش از این قید آن است که برات فقط برای پرداخت ارائه شود. چنین شرطی را نمی توان در برات به وعده از رویت قید کرد؛ زیرا برای تعیین موعد پرداخت چنین براتی، برات باید به رویت براتگیر برسد؛ حتی اگر برات مورد قبول قرار نگیرد.

▪ ماده 274 - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهورنویسها و همچنین به برات‌دهنده که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 275 - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهورنویسها و برات‌دهنده که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 276 - اگر ظهورنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهورنویس نمی‌تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

❖ نوشتن قبولی خارج از ورقه برات و به موجب ورقه جداگانه قبولی محسوب نمی‌شود و برای قبول کننده تعهد برواتی ایجاد نمی‌کند.

❖ هرگاه براتگیر قبولی را در ظهر ورقه برات قید کرده باشد باید آنرا در حکم ظهورنویسی تلقی کرد مگر آنکه عبارت ظهر ورقه صراحت در قبولی داشته باشد.

❖ قید تاریخ قبولی در ورقه برات ضروری است مع ذلک هرگاه قبولی بدون تاریخ نوشته شود قبولی باطل نخواهد بود و تمام آثار تجاری خود را خواهد داشت در چنین صورتی تاریخ صدور برات تاریخ رویت تلقی می‌شود. بنابراین به موجب قانون تجارت ایران و اخو است عدم تاریخ نداریم.

❖ هر عبارتی که محال‌علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.

▪ در حقوق ایران پذیرش اجباری برات مشکلی ندارد. حتی اگر براتگیر به او بدهکار باشد.



قبولی جزئی برات نکول محسوب نمی گردد.

✓ ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه **اعتراض** نماید.

✓ ظهنویسی جزئی از برات با توجه به عدم منع قانونگذار صحیح است ولی از آنجا که فی الواقع عمل بدان ایجاد اشکال می کند عملاً اجرا نمی گردد. (مبحث ظهنویسی)

❖ براتگیر حق ایراد در مقابل دارنده برات را ندارد زیرا اصل استقلال تعهد براتی از تعهد اصلی حکم می کند که براتگیر با عدم وجود محل نیز در مقابل دارنده مسئول تلقی گردد.

❖ براتگیری که برات را امضا کرده است چه قبل از تسلیم برات چه بعد از آن به دارنده، نمی تواند از امضای خود عدول کند به همین دلیل حتی خط زدن قبولی نیز قبولی برات و تعهد براتگیر را مخدوش نمی کند.

❖ ظهنویسیهایی که خط خورده باشد مانند این است که ظهنویسی نشده اند. (مبحث ظهنویسی)
❖ انواع نکول:

▪ نکول ارادی

▪ امتناع از قبول

▪ قبولی مشروط

✓ در صورت قبولی برات به صورت مشروط، دارنده برات یا باید برات را نکول شده تلقی کند و اقدام به واخواست نکول نماید و علیه مسئولان برات اقامه دعوا نماید و یا منتظر بماند تا وعده برات برسد و در صورت عدم پرداخت برات، در حدود شرط [کسانیکه برات را با شرط موجود در ظهنویسی دریافت می کنند، بنا بر قواعد حقوقی عام، فقط در حدود شرط می توانند به ظهنویس مراجعه کنند] علیه براتگیر اقامه دعوا نماید.

✓ ظهنویسی با قید و شرط برات با توجه به عدم منع قانونگذار اشکالی ندارد، ولی قواعد حقوقی حاکم بر شرط، قواعد حقوقی عام خواهد بود، بنابراین شرط کننده در حدود شرط مسئول است و کسانیکه برات را با شرط موجود در ظهنویسی دریافت می کنند فقط در حدود شرط می توانند به ظهنویس مراجعه کنند. در عرف و عادت تجاری ظهنویسی مشروط برات معمول نیست. (مبحث ظهنویسی)

▪ صدور حکم ورشکستگی براتگیر به دلیل اینکه براتگیر حق قبول برات را ندارد.

❖ برات باید به محض ارائه یا منتهی **در ظرف 24 ساعت** از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

- برائتگیر نمی تواند تقاضا کند که برای نوشتن قبولی برات، عین برات نزد او باقی بماند حتی زمانیکه برات در نسخ متعدد نوشته شده باشد.
- برائتگیر می تواند از دارنده بخواهد که برات به منظور قبولی برای بار دوم به او ارائه شود که اصطلاحاً بدان **ارائه ثانوی** برات می گویند.
- ❖ نکول برات باید به موجب تصدیقنامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد - تصدیقنامه مزبور موسم است به اعتراض (پروتست) نکول.
- اعتراض نکول برای استفاده از مزایای آن در صورتی الزامی است که **برات به رویت نباشد**، زیرا دارنده برات به رویت در واقع آنرا برای پرداخت به متعهد ارائه می کند و در صورت عدم پرداخت دارنده باید مبادرت به **اعتراض عدم تادیه** (نه اعتراض نکول) نماید.
- در مواقعی که برات به وعده از تاریخ رویت است، اعتراض نکول حتی در صورت قصد عدم استفاده از مزایای نکول **ضروری** است.
- ق.ت در مورد مهلت اعتراض نکول ساکت است ولی عرف و عادت، مهلت 10 روز مقرر برای اعتراض عدم تادیه را در مورد اعتراض نکول صحیح دانسته است و این مهلت از تاریخ مراجعه دارنده و ارائه برات به برائتگیر آغاز می شود.
- ❖ پس از اعتراض نکول ظهنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.
- برائتگیر تکلیفی به قبول برات ندارد و مسئول نکول نیست مگر در چارچوب مقررات مربوط به مسئولیت مدنی یا مسئولیت قراردادی (قرارداد میان براتکش یا برائتگیر مبتنی بر قبول برات).
- در حقوق ایران با اعتراض نکول، برات موجد حال **نخواهد** شد. بلکه پس از اعتراض نکول دارنده می تواند به مسئولین مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد، اگر ضامن معرفی نکردند برات حال خواهد شد.
- در صورت حال شدن برات، اعتراض عدم پرداخت ضرورت ندارد و دارنده بدون انجام دادن تشریفات اعتراض عدم پرداخت از کلیه حقوقی که ق.ت برای دارنده ی برات اعتراض شده مقرر کرده است برخوردار خواهد شد.

- در صورت معرفی ضامن دارنده برات ملزم به قبول ضمانت شخصی نیست که برات دهنده یا ظهر نویسان معرفی می کنند، زیرا ضامن عقد است و برای تحقق آن اراده دوطرف شرط است.
- حال شدن برات موجد و قابل مطالبه بودن فوری پرداخت برات بدان معنا نیست که تاریخ پرداخت تغییر کرده است. بنابراین مرور زمان هایی که ابتدای شروع آنها تاریخ پرداخت است، از همان تاریخ شروع می شوند نه از تاریخ اعتراض نکول.
- نکول برات الزاماً وجه برات را قابل مطالبه فوری نمی کند (مگر در صورت مراجعه به ظهر نویسان و درخواست ضامن از آنها و در صورت ندادن ضامن از طرف مسئولین برات) و موجب تغییر موعد برات هم نیست بنابراین عدم مراجعه فوری دارنده برات، حق مراجعه او به ظهر نویس ها و برات دهنده را در سر وعده از بین نمی برد. در واقع دارنده برات در صورت نکول می تواند تا سر رسید برات صبر کند و در آن زمان به موجب اعتراض عدم تادیه وجه برات را مطالبه نماید.
- فی الواقع انجام تشریفات و اخو است نکول و استفاده از مزایای نکول اختیاری است مگر در مورد **برات به وعده از رویت**، زیرا به موجب تاریخ مندرج در اعتراضنامه نکول است که تاریخ رویت مشخص می شود و از طریق آن تاریخ پرداخت مشخص می شود.
- در برات به رویت نیز، انجام تشریفات و اخو است نکول و استفاده از مزایای نکول اصلاً موضوعیت پیدا نمی کند زیرا در این نوع برات، وجه آن باید به محض رویت پرداخت گردد و در صورت نکول اعتراض **عدم تادیه** صورت میگیرد نه و اخو است نکول.
- ❖ اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آنرا نپرداخته اعتراض **عدم تادیه** شود، دارندگان براتهای دیگر نیز که شخص قبول کننده برات آنها را نیز قبول نموده است ولی هنوز موعد پرداخت آنها نرسیده است می توانند از قبول کننده تقاضا نمایند که برای پرداخت وجه آنها ضامن بدهد یا پرداخت آنها را به نحو دیگری تضمین کند. منطقی است که هرگاه قبول کننده ضامن ندهد و یا پرداخت در سر وعده را تضمین نکند، دارنده برات بتواند وجه برات خود را قبل از موعد مطالبه کند. در این صورت مطالبه وجه تابع تشریفات عام حقوق تجارت است.
- ❖ در چهار مورد به دارنده برات اجازه داده شده است که قبل از رسیدن موعد به مسئولان برات مراجعه کند:
 - پس از اعتراض نکول (نه نکول) ظهر نویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند.

▪ اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

▪ همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود.

▪ هر گاه تاجر ورشکسته فته‌طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه‌فته‌طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث

❖ هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام **برات‌دهنده** یا یکی از

ظهن‌نویسها قبول کند - قبولی شخص ثالث باید در **اعتراضنامه** قید شده به **امضاء** او برسد.

▪ مداخله شخص ثالث یا برای **قبولی** برات است یا برای **پرداخت وجه** برات .

▪ مداخله شخص ثالث جهت قبولی که اصطلاحاً قبولی شخص ثالث گفته می‌شود مختص به برات است .

▪ **بدی آی می مل جمع به باضما اب افر ص ث ل ا ث ص خ ش ی ل و ب ق ا ث ر ان گ ش ت را ن ی ز می توان امضا محسوب نمود.**

▪ قبولی شخص ثالث به **حساب براتگیر** و **ضامن** پیش بینی نگردیده است.

▪ قبولی ثالث بر دو نوع است:

✓ قبولی ثالث با درج شرط در برات توسط **برات‌دهنده** و **ظهن‌نویس** :

➤ اگر در هنگام صدور برات شرط شود که دارنده باید در صورت نکول برات، جهت

اخذ قبولی به ثالث تعیین شده مراجعه کند، و دارنده بدین وظیفه خود در جهت

مراجعه به ثالث عمل ننماید او مزایای اعتراض نکول را در مقابل برات دهنده و

ظهن‌نویس از دست خواهد داد و تنها مزایای اعتراض عدم تأدیه برای او محفوظ

خواهد ماند. اما در صورتی که **ظهن‌نویس (نه برات دهنده)** شرط کند که در صورت

نکول برات به شخص ثالث مراجعه شود، در صورت عدم مراجعه به شخص ثالث دارنده برات تنها در خصوص ظهرنویس نمی تواند از مزایای نکول استفاده کند.

✓ قبولی ثالث به ابتکار خود.

■ در صورت قبولی شخص ثالث، **وضعیت ضامن** (نه برات دهنده و ظهر نویس) احتمالی ای که قبل از دخالت شخص ثالث برات را ظهرنویسی کرده است تغییری نمی کند و همچنان ضمانت او برقرار است. بنابراین دخالت شخص ثالث عواقب نکول را نسبت به مسئولان قبل از دخالت شخص ثالث منتفی نمی کند و دارنده می تواند در صورت عدم قبولی براتگیر حتی با قبول شخص ثالث به ضامن ظهرنویس قبل از قبولی مراجعه کند.

■ هرگاه قبول کننده ثالث به صراحت قید نکرده باشد که به سود چه کسی **دخالت** می کند قاضی باید **با توجه به اوضاع و احوال در هر پرونده** تعیین کند که کدامیک از مسئولان برات مورد نظر شخص ثالث بوده است. **البته دخالت ثالث به سود صادرکننده به سود دارنده می شود** زیرا مهلتی که او برای مراجعه به صادر کننده دارد از مهلتی که قانون گذار برای تعقیب ظهر نویس در نظر گرفته طولانی تر است. (نکته ای که شبیه به این نکته می باشد مربوط می شود به تاریخ ضمانت که در مبحث مسئولیت ضمان بحث می شود).

➤ در صورتیکه شخص ثالث تصریح نکند که وجه برات را از طرف چه کسی

پرداخت (نه قبول) می کند، پرداخت را به حساب براتکش می گذارند.

■ گاهی اوقات ممکن است براتگیری که برات را نکول کرده است بعداً برات را به عنوان شخص ثالث قبول کند. این عمل در مواقعی کاربرد دارد که براتگیر بدهی به براتکش ندارد ولی با قبول برات به عنوان شخص ثالث خودش جانشین دارنده برات می شود و می تواند برای وصول طلب از مزایایی که قانون برای برات در نظر گرفته است علیه صادر کننده برات اقدام کند.

❖ بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویس ها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.

■ البته باید دقت شود که دارنده برات تنها می تواند از مزایای اعتراض نکول در قبال اشخاص ما بعد ذینفع قبولی ثالث (به فرض ظهرنویسان چهارم و پنجم) استفاده کند یعنی از آنها ضامن بخواهد و اگر ضامن ندادند برات نسبت به آنها حال خواهد شد، اما این دارنده برات پس از قبولی ثالث

دیگر حق رجوع به ذینفع قبولی ثالث و ایادی ماقبل او را (یعنی ظهنویسان اول و دوم و سوم) جهت استفاده از مزایای اعتراض نکول نخواهد داشت.

- هرگاه شخص ثالث پس از قبولی برات در سررسید مبلغ برات را تادیه نمود می تواند به کسی که به نفع او قبول کرده و ایادی ماقبل مراجعه کند.

مبحث چهارم: در وعده برات

اکثر مطالب تکراری است و در بالا ذکر شده است.

❖ اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل تأدیه شود. تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجاری نیز رعایت خواهد شد.

- وعده برات یا سررسید برات **روزی است که تعهد براتی باید انجام شود** ولی ممکن است همان روز، روز پرداخت نباشد.

مبحث پنجم: ظهن نویسی

❖ انتقال برات به وسیله ظهن نویسی به عمل می آید. ذکر چند نکته ضروری است:

- ظهن نویسی تنها راه انتقال برات نیست و طرق دیگر نیز وجود دارند که تابع مقررات حقوق مدنی خواهد بود.

- ظهن نویسی فقط برای انتقال مالکیت صورت نمیگیرد بلکه در عمل از آن برای دادن **وکالت برای وصول**، برای **وثیقه** نیز استفاده می شود.

- انتقال برات به وسیله ظهن نویسی منوط به عدم شرط مخالف در برات است.

❖ ظهن نویسی در سند جداگانه در حکم انتقال طلب بوده و کسی که برات به او منتقل شده نمی تواند انتقال دهنده را مسئول عدم پرداخت مبلغ آن بداند مگر اینکه در قرارداد ضمانت او تصریح شده باشد. البته برات را با پر شدن ظهر آن با ضمیمه کردن ورقه ای به خود برات می توان مجدداً ظهن نویسی کرد.

- ضمانت به موجب سند جداگانه حتی با قید مشخصات برات و مضمون له و مضمون عنه تابع مقررات حقوق مدنی است و فقط در صورتی جنبه تضامنی دارد که طرفین بر تضامنی بودن آن تصریح کرده باشند.

❖ **امضای صرف ظهر برات را باید ظهرنویسی تلقی نمود** نه ضمانت، زیرا تا دلایل و قراین حکایت از ضمانت نکند، امضای صرف ظهر برات را باید ظهرنویسی تلقی کرد. این عمل در واقع به اعتبار برات می افزاید و گردش آن را تسهیل می نماید، زیرا در حالی که ضامن فقط با مضمون عنه ضمانت تضامنی دارد، ظهرنویس مستقلاً مسئول پرداخت برات به دارنده بوده، با کلیه مسئولان دیگر برات مسئولیت تضامنی دارد. (نظریه مشورتی: اگر شخص ثالثی ظهر **سفته** را بدون درج هیچگونه مطلبی امضا نماید، این امر ظهور در ضمانت امضا کننده دارد و در این صورت امضا کننده ظهر سفته با متعهد سفته در مقابل دارنده سفته مسئولیت تضامنی خواهد داشت).

❖ برات را می توان به نام شخص معین یا به صورت سفید امضا و حامل **ظهرنویسی** کرد.

❖ در حقوق ما قانونگذار ظهرنویسی بعد از اعتراض را منع نکرده است.

❖ اگرچه عدم تسلسل ممکن است از نظر عملی مشکلاتی را برای تشخیص آخرین دارنده به وجود آورد اما از نظر حقوقی در تشخیص دارنده برات تاثیر قطعی ندارد، زیرا برای اثبات اینکه چه کسی دارنده فعلی برات است علاوه بر متن برات میتوان به دلایل دیگر مثبت دعوا توجه نمود. همچنین در عرف و عادت تجاری، هنگام قبول برات از جانب دارنده جدید تسلسل امضائات برات همواره بررسی می شود، زیرا این امر در تشخیص حق مراجعه ظهرنویسان به یکدیگر موثر و مفید است.

❖ مرتب بودن رشته ظهرنویسی به طرق زیر قابل اثبات است: 1- با قید شماره 2- با قید تاریخ 3- با قید نام منتقل الیه

❖ ظهرنویسی جزئی از برات با توجه به عدم منع قانونگذار **صحیح** است ولی از آنجا که فی الواقع عمل بدان ایجاد اشکال می کند عملاً اجرا نمی گردد.

❖ ظهرنویسی با قید و شرط برات با توجه به عدم منع قانونگذار اشکالی ندارد، ولی قواعد حقوقی حاکم بر شرط قواعد حقوقی عام خواهد بود، بنابراین شرط کننده در حدود شرط مسئول است و کسانی که برات را با شرط موجود در ظهرنویسی دریافت می کنند فقط در حدود شرط می توانند به ظهرنویس مراجعه کنند. در عرف و عادت تجاری ظهرنویسی مشروط برات معمول نیست.

❖ هرگاه دارندگان سند تجاری متعدد باشند و فقط برخی از آنها سند تجاری را ظهرنویسی کنند این ظهرنویسی تجاری محسوب **نمی گردد** و انتقال آنهم صرفاً در رابطه با امضا کنندگان موصوف انتقال طلب موضوع قانون مدنی با همه احکام راجع به آن است.

❖ ظهرنویسی حاکمی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویسی **وکالت در وصول** را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول و لدی الاقتضاء **حق اعتراض و اقامه دعوی**

برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد. (247) چیزی نفهمیدم.

❖ آثار ظهرنویسی:

▪ انتقال حقوق ناشی از برات

✓ انتقال حقوق اصلی ناشی از برات

✓ انتقال تضمین های برات

▪ تحدید مسئولیت ظهرنویس

❖ هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.

▪ با اینکه قانونگذار قید تاریخ را از شرایط صحت ظهرنویسی ندانسته ولی قید **تاریخ مقدم** در

ظهرنویسی را تزویر دانسته است.

❖ مسئولیت **صادر کننده** برات:

▪ قبل از سررسید برات:

✓ در این دوره صادر کننده مسئولیت **قبولی** دارد و بدین نحو است که اگر براتگیر برات را

نکول نمود پس از اعتراض نکول دارنده می تواند به برات دهنده مراجعه نماید و تقاضای

ضامن نماید و اگر چنین نکند برات حال می شود. البته برات دهنده در هنگام صدور

برات می تواند مسئولیت قبولی خود را سلب نماید زیرا با درج چنین شرطی هیچ خدشه

ای به مندرجات اساسی برات وارد نمی شود بلکه فقط دارنده برات **مزایای اعتراض نکول**

را از دست می دهد و فرض مسئولیت پرداخت یعنی مزایای اعتراض عدم تادیه همچنان

پابرجاست.

▪ پس از سررسید برات:

✓ در این دوره صادر کننده مسئولیت **پرداخت** دارد به دین نحو که چنانچه در سررسید

براتگیر وجه برات را پرداخت ننمود دارنده پس از اعتراض عدم تادیه میتواند جهت

مطالبه وجه برات علیه صادر کننده اقامه دعوا نماید. اما برای اقامه دعوا علیه صادر کننده

2 حالت مطرح است:

➤ صادر کننده برات، محل برات را در نزد براتگیر تامین **نموده** است: در این مورد پس

از سررسید و اعتراض عدم تادیه خواه دارنده برات وظایف قانونی خود را در

خصوصاً **اعتراض عدم تادیه و اقامه دعوا** در مواعید قانونی عمل نموده باشد و خواه عمل ننموده باشد در هر حال دارنده می تواند در این فرض علیه صادر کننده اقامه دعوا نموده و وجه برات را مطالبه نماید.

➤ صادر کننده برات محل برات را در نزد براتگیر تامین نموده باشد: هرگاه براتگیر در سررسید وجه برات را به دارنده نپردازد، دارنده در صورتی در این فرض حق اقامه دعوا علیه صادر کننده برات را دارد که **به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد**. وظایف دارنده از قرار زیر است:

۱. اعتراض عدم تادیه در ظرف 10 روز از سررسید:

- در برات به رویت: رویت ظرف یک سال **از تاریخ صدور برات** و **اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از رویت برات**.
- در برات به وعده از رویت: رویت ظرف یکسال از تاریخ صدور برات و اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از تاریخ وعده یا سررسید برات.
- توجه:** مهلت یکسال در نظر گرفته شده برای به رویت رساندن برات در صورتی است که برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر نشده باشد در غیر اینصورت دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید.
- در سایر بروات: اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از وعده یا سررسید برات.

نکته 1: روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از **تاریخ صدور** است حساب نخواهد شد.

نکته 2: برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود.

نکته 3: روز وعده یا سررسید که قانوناً **موعد اقدام متعهد** است نباید جزو ده روز مقرر برای اعتراض عدم تادیه محاسبه شود. البته با توجه به قاعده عدم احتساب روز اقدام در محاسبه مواعید، مندرج در ماده 445 ق.ا.د.م.

و اینکه اساساً نظریه فوق الذکر با استدلال بر مبنای این قاعده صادر شده است، می توان با حاکم دانستن قاعده فوق بر مهلت اعتراض روز **اقدام به اعتراض** را جزء موعد محاسبه نمود.

II. اقامه دعوا در ظرف یکسال یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تادیه مطابق مواد 286 و 287: اگر دارنده به یکی از وظایف خود عمل ننماید حق اقامه دعوا علیه صادر کننده ای که محل برات را نزد براتگیر تامین نموده ندارد. ولی اگر دارنده به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد صادر کننده مجبور به پرداخت وجه برات به دارنده و رجوع به براتگیر برای استرداد محل موجود نزد او می باشد.

نکته: در رابطه بین دارنده و برات دهنده در جهت حفظ حقوق دارنده اصل بر آن است که برات دهنده محل برات را تامین ننموده است مگر اینکه برات دهنده اثبات نماید محل برات را تامین کرده است. زیرا در این حالت مسئولیت برات دهنده بدون توجه به انجام وظایف قانونی توسط دارنده برقرار است. نکته: **برات دهنده** نمی تواند در هنگام صدور برات مسئولیت پرداخت خود را سلب نماید.

✚ **ظهر نویس** نمی تواند با قید شرط خلاف مسئولیت خود را به طور مطلق محدود یا منتفی کند. مگر در مورد: اگر ظهورنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهورنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند. این تنها موردی است که می توان مسئولیت ظهر نویس را محدود نمود. (مبحث مسئولیت ظهورنویس)

✚ **ضامن** تا حدودی که به مقتضیات ذات ضمانت خدشه ای وارد نشود، می تواند مسئولیت خود را محدود کند برای مثال می تواند مسئولیت خود را به قبولی برات محدود کند یا پرداخت قسمتی از برات را تضمین نماید یا آنکه پرداخت برات را فقط در مقابل دارنده فعلی آن ضمانت کند و ضمانت خود را به صورت مشروط در برات بگنجاند.

❖ مسئولیت صادر کننده سفته:

■ از آنجا که مدیون اصلی سند تجاری سفته صادر کننده سفته می باشد خواه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کند خواه عمل نکند حق مراجعه به صادر کننده سفته را دارد بنابراین برای مراجعه به صادر کننده سفته رعایت مواعد الزامی نمی باشد.

✓ می توان بدون **اعتراض عدم تادیه** علیه صادر کننده سفته و علیه براتگیر، بر علیه صادر کننده اصلی (صادر کننده سفته و صادر کننده برات) **اقامه دعوا** (نه اعتراض) نمود، چرا که با منقضی گشتن مواعد، امکان عملی برای رجوع به ظهر نویسان از بین می رود و هیچ فایده عملی برای اعتراض عدم تادیه مترتب نمی شود. فی الواقع اعتراض نامه، سند مثبت مراجعه به متعهد اصلی پرداخت است تا بر اساس آن بتوان به دیگر مسئولان سند مراجعه کرد بنابراین مفهومی ندارد که برای مراجعه به خود متعهد اصلی نیز نیازمند چنین دلیل اثباتی بود.

❖ مسئولیت صادر کننده چک:

■ از آنجا که صادر کننده چک مدیون اصلی این سند تجاری می باشد خواه دارنده به وظایف خود در خصوص اخذ گواهی عدم پرداخت در موعد قانونی و اقامه دعوا در موعد قانونی عمل نموده باشد و خواه عمل ننموده باشد در هر حال دارنده چک می تواند به صادر کننده در هر زمانی که بخواهد مراجعه نموده و اقامه دعوا نماید. لازم به ذکر است در صورت عدم رعایت مواعد مندرج در مواد 315 (اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود) و 286 (اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید) و 287 (در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهر نویس های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.) مطابق قسمت آخر ماده 315 چنانچه وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوای دارنده چک علیه **صادر کننده** نیز در محکمه مسموع نیست.

❖ مسئولیت ظهر نویس برات:



▪ مسئولیت ظهرنویس برات قبل از سررسید: ظهرنویس دارای مسئولیت قبولی برات می باشد یعنی اگر برات نکول شد و دارنده اعتراض نکول به عمل آورد دارنده می تواند به ظهرنویس جهت مطالبه ضامن مراجعه نماید.

▪ مسئولیت ظهرنویس پس از سررسید برات:

i. اعتراض عدم تادیه در ظرف 10 روز از سررسید:

- در برات به رویت: رویت ظرف یک سال از تاریخ صدور برات و اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از رویت برات.
- در برات به وعده از رویت: رویت ظرف یکسال از تاریخ صدور برات و اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از تاریخ وعده یا سررسید برات.

توجه: مهلت یکسال در نظر گرفته شده برای به رویت رساندن برات در صورتی است که برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر نشده باشد در غیر اینصورت دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید.

- در سایر بروات: اعتراض عدم تادیه ظرف ده روز از وعده یا سررسید برات.

نکته 1: روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

نکته 2: برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود.

نکته 3: روز وعده یا سررسید که قانوناً **موعد اقدام متعهد** است نباید جزو ده روز مقرر برای اعتراض عدم تادیه محاسبه شود. البته با توجه به قاعده عدم احتساب روز اقدام در محاسبه مواعد، مندرج در ماده 445 ق.ا.د.م و اینکه اساساً نظریه فوق الذکر با استدلال بر مبنای این قاعده صادر شده است، می توان با حاکم دانستن قاعده فوق بر مهلت اعتراض روز **اقدام به اعتراض** را جزء موعد محاسبه نمود.

ii. اقامه دعوا در ظرف یکسال یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تادیه مطابق مواد 286 و 287: اگر دارنده به یکی از وظایف خود عمل ننماید حق اقامه دعوا علیه ظهرنویسان را ندارد.

✓ نکته: **ظهر نویس** نمی تواند با قید شرط خلاف مسئولیت خود را به طور مطلق، محدود یا منتفی کند. مگر در مورد: اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند. این تنها موردی است که می توان مسئولیت ظهر نویس را محدود نمود.

❖ مسئولیت ظهرنویس سفته:

■ مسئولیت ظهرنویس سفته فقط مسئولیت در پرداخت می باشد، یعنی چنانچه صادر کننده سفته (متعهد) در سررسید از پرداخت وجه سفته امتناع کند، دارنده پس از اعتراض عدم تادیه می تواند علیه ظهرنویس اقامه دعوا نماید، مشروط بر اینکه دارنده به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد، وظایف دارنده از قرار ذیل است:

✓ اعتراض عدم تادیه در ظرف ده روز از سررسید و در مورد سفته های عند المطالبه اقدام مقتضی در ظرف یکسال با توجه به مواعد 274 (نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.) و 309 (تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.) از تاریخ صدور سفته.

✓ اقامه دعوا ظرف یک یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تادیه بر حسب مورد مطابق مواد 286 (اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه

خواهد شد.) و 287 (در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویس های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید).

❖ مسئولیت ظهرنویس چک:

■ مسئولیت ظهرنویس چک نیز فقط مسئولیت در پرداخت می باشد یعنی چنانچه چک منجر به صدور گواهی گواهی عدم پرداخت گردد و دارنده چک به وظایف قانونی ذیل عمل نموده باشد حق اقامه دعوا علیه ظهرنویس چک را خواهد داشت.

✓ اخذ گواهی عدم پرداخت ظرف 15 روز یا 45 روز یا 4 ماه از تاریخ سر رسید چک بر حسب مواد 315 (اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست.) و 317 (مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است)

✓ اقامه دعوا در ظرف یک یا دو سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت.

✚ مسئولیت ظهرنویسان و ضامنان فقط در مورد دعوی حقوقی چک مطرح گردیده و در دعاوی کیفری و اجرای ثبتی چک مسئولیت آنان منتفی است.

❖ مسئولیت ضامن:

■ ضمانت در ورقه برات (سفته و چک): ضامن با قید هر عبارتی در ظهر یا روی برات که حکایت از ضمانت داشته باشد، تعهد به پرداخت یا قبولی برات توسط مضمون عنه می کند.

✓ ضمانت برات فقط در صورتی معتبر است که به **امضای** ضامن رسیده باشد و مهر ضامن برای ضمانت کافی نیست. اثر انگشت ضامن امضا محسوب می گردد.

✓ قید تاریخ ضمانت شرط صحت آن نیست.

✓ هرگاه معلوم باشد ضمانت برای چه کسی است (ظهنویس یا صادر کننده و ...) باید فرض کرد که ضمانت بعد از تاریخی تحقق پیدا کرده است که در آن مضمون عنه برات را امضا کرده است. در غیر اینصورت دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه، تاریخ ضمانت را معین خواهد کرد. هرگاه دادگاه از اوضاع و احوال نتواند چنین تاریخی را معین کند، **تاریخ صدور برات** را باید تاریخ ضمانت تلقی کرد؛ زیرا مسلم است که تاریخ ضمانت نمی توانسته پیش از تاریخ صدور برات باشد.

✓ **امضای صرف ظهر برات** را باید ظهنویسی تلقی نمود نه ضمانت، زیرا تا دلایل و قرائن حکایت از ضمانت نکند، امضای صرف ظهر برات را باید ظهنویسی تلقی کرد. این عمل در واقع به اعتبار برات می افزاید و گردش آن را تسهیل می نماید، زیرا در حالی که ضامن فقط با مضمون عنه ضمانت تضامنی دارد، ظهنویس مستقلاً مسئول پرداخت برات به دارنده بوده، با **کلیه مسئولان دیگر برات** مسئولیت تضامنی دارد. (نظریه مشورتی: اگر شخص ثالثی ظهر سفته را بدون درج هیچگونه مطلبی امضا نماید، این امر ظهور در ضمانت امضا کننده دارد و در این صورت امضا کننده ظهر سفته با متعهد سفته در مقابل دارنده سفته مسئولیت تضامنی خواهد داشت.)

■ ضمانت به موجب سند جداگانه: ضمانت به موجب سند جداگانه حتی با قید مشخصات برات و مضمون له و مضمون عنه تابع مقررات حقوق مدنی است و فقط در صورتی جنبه تضامنی دارد که طرفین بر تضامنی بودن آن تصریح کرده باشند.

■ اشخاصی که می توانند پرداخت برات را ضمانت کنند: ضمانت کردن هم از سوی **اشخاص ثالث** صحیح است هم از طرف **مسئولان برات**.

✓ هرگاه برات توسط یکی از مسئولان قبلی برات ضمت شود، ضمانت در صورتی قابل قبول است که وضعیت دارنده را بهبود بخشد. بدین ترتیب اگر براتگیری که برات را قبول کرده از ظهنویسان برات ضمانت کند، این ضمانت به دلیل آنکه خود براتگیر، متعهد اصلی برات است مفید نیست. هم چنین اگر صادر کننده براتی که مورد قبولی قرار نگرفته

است از یکی از ظهرنویسان ضمانت کند، ضمانت او نیز موثر نیست. **بر عکس ضمانت**

کردن از ضامن برات بلا اشکال است و به ارزش برات می افزاید. البته مسئولیت ضامن

ضامن برات در صورتی تضامنی است که به آن تصریح شده باشد، بنابراین ضامن ضامن

برات باید بر تضامنی بودن مسئولیت خود تصریح کند تا ضمانت او تضامنی باشد.

■ تعیین مضمون عنه: دادگاه با هر وسیله ممکن باید مشخص کند که از کدامیک از مسئولان برات

ضمانت شده است. در صورت عدم امکان تشخیص مضمون عنه باید ضمانت را به حساب

براتکش گذاشت زیرا مسئولیت او از همه مسئولان بیشتر است.

■ موضوع ضمانت: تعهد ضامن عبارتست از **پذیرش مسئولیت پرداخت مبلغ برات، در صورت عدم**

پرداخت آن توسط مضمون عنه. این نکته نیز مورد قبول است که **ضمانت پرداخت، متضمن**

ضمانت قبولی نیز هست، مگر آنکه خلافش شرط شده باشد. **ضامن** تا حدودی که به مقتضیات

ذات ضمانت خدشه ای وارد نشود، می تواند مسئولیت خود را محدود کند برای مثال می تواند

مسئولیت خود را به قبولی برات محدود کند یا پرداخت قسمتی از برات را تضمین نماید یا آنکه

پرداخت برات را فقط در مقابل دارنده فعلی آن ضمانت کند و ضمانت خود را به صورت

مشروط در برات بگنجاند. **البته** می توان تعهد ضامن را پذیرش مسئولیت پرداخت مبلغ برات در

صورت عدم پرداخت آن توسط محال علیه **(نه مضمون عنه)** دانست زیرا در ضمان تضامنی اصل

بر ضمان تضامنی عرضی است، محاکم نیز اثبات رجوع به مضمون عنه را شرط رسیدگی به

مسئولیت ضامن نمی دانند.

■ تعهد ضامن در برابر دارنده: مسئولیت ضامن تضامنی است، در نتیجه هنگام تعدد ضامن ها (مثال

اینکه ظهرنویس یا براتگیر را چند ضامن ضمانت کرده باشند) هر یک از آنها برای تمام مبلغ

ضمانت شده مسئول شناخته می شود (نه نسبت به سهم خود). مسئولیت ضامن مشابه مسئولیت

مضمون عنه است که می توان از این قضیه 3 نتیجه حاصل کرد: 1- حق مراجعه دارنده به ضامن

، در حدود حق مراجعه او به مسئولانی است که ضامن از او ضمانت کرده است برای مثال اگر به

سبب عدم رعایت مواعد (واخواست به موقع و طرح دعوای به موقع) حق مراجعه به ظهرنویس

منتفی شده باشد او به ضامن ظهرنویس نیز نمی تواند مراجعه کند. 2- **ضامن تنها به جانشینی**

مضمون عنه (نه به خودی خود) حق دارد به تمامی ایراداتی که مضمون عنه می تواند در مقابل

دارنده برات استناد کند متوسل شود زیرا مسئولیت ضامن مانند تعهد مسئولان اصلی برات، از

استقلال برخوردار نیست و در چارچوب مسئولیت مضمون عنه خود می باشد، مصداق بارز این مساله در موردی است که ضامن از براتگیر ضمانت کرده و محل برات در دست صادر کننده باقی مانده باشد که ضامن می تواند در مقابل صادر کننده به عدم وجود محل نزد براتگیر استناد کند، از پرداخت وجه به او خود داری کند. 3- اگر دین مضمون عنه به نحوی ساقط شود ضامن نیز بری خواهد شد. البته هرگاه مضمون عنه به سبب عدم اهلیت و رضا مسئول نباشد مسئولیت ضامن منتفی نیست و این امر از استقلال امضاءات ناشی می شود.

- تعهد مضمون عنه: در مورد برات تعهد مضمون عنه با ضمانت ضامن برات منتفی نمی شود، زیرا در اینجا مسئولیت تضامنی است و اثر ضمانت در برات ضم ذمه ضامن به ذمه مضمون عنه است.
- تعهد مضمون عنه در مقابل ضامن: ضامن پس از پرداخت برات می تواند به مضمون عنه مراجعه نماید. هرگاه ضامن به سبب گذشت مهلت های مقرر در ق.ت نتواند علیه مضمون عنه اقامه دعوا کند حق دارد از مقررات قانون مدنی در باب ضمان استفاده کند. به منظور تسهیل در استفاده از حق ضامن علیه مضمون عنه، ضامن حق دارد اصل برات و تمام اسناد و مدارکی که برای رجوع او به مضمون عنه لازم و مفید است دریافت کند.
- تعهد دیگر مسئولان برات در مقابل ضامن: ضامنی که وجه برات را پرداخت کرده می تواند به دیگر مسئولان برات مراجعه کند.

✓ هرگاه ضامن به حساب ظهرنویس ضمانت کرده و مبلغ برات را پرداخته باشد، می تواند علاوه بر او، علیه براتگیری که برات را **قبول کرده**، صادر کننده و یا ظهرنویس های ماقبل ظهرنویسی که از او ضمانت کرده است اقامه دعوا کند و یا به همین منظور به ضامن های اشخاص اخیر مراجعه کند. هرگاه ضامن به حساب صادر کننده ضمانت کرده و مبلغ برات را پرداخته باشد می تواند به براتگیری که برات را قبول کرده مراجعه کند. هرگاه ضامن صادر کننده ای برات را با حسن نیت پرداخت کرده باشد، براتگیر نمی تواند در مقابل او به ایراد عدم وجود محل نزد خود متوسل شود، زیرا ضامن در سیستم حقوق تجارت قائم مقام مضمون عنه نیست تا براتگیر بتواند از همان حقوقی که در مقابل صادر کننده داشته است در مقابل او استفاده کند. در واقع پس از پرداخت برات، ضامن دارنده ای است که مطابق مقررات برواتی، حق رجوع به کلیه مسئولان برات را دارد.

❖ هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می‌تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند - جزء دارایی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند. تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

▪ دارنده برات می‌تواند در ورشکستگی کلیه مسئولان برات شرکت کند و از هر ورشکسته مطالبه کلیه مبلغ برات و متفرعات و مخارج قانونی را بنماید و در نتیجه ی شرکت در هریک از غرما از هر کدام از ورشکستگان مقداری از طلب خود را وصول نماید، به این دلیل گفته می‌شود مقداری چون دارایی هیچکدام از آنها کفاف انجام تعهدات آنها را ندارد، اموال ورشکسته نسبت به بدهی هایی که دارد بین طلبکاران تقسیم می‌گردد و دارنده فقط قادر خواهد بود یک قسمت از مبلغ برات را دریافت دارد. نتیجه این ترتیب 3 صورت خواهد بود:

- مجموع مبالغی که به این ترتیب از کلیه ورشکستگان وصول می‌شود، برابر با وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی آن است، در این صورت دارنده برات به طلب خود رسیده ولی ورشکستگانی که می‌توانسته‌اند در صورت عدم ورشکستگی وجه برات و متفرعات آنها از مسئول قبلی برات وصول نمایند، برای مبالغی که پرداخت نموده‌اند حق رجوع به مسئول ما قبل خود را ندارند.
- مجموع مبالغی که به این ترتیب از کلیه ورشکستگان وصول می‌شود، کمتر از مبلغ برات و متفرعات و مخارج آن است، در این صورت چون مسئول دیگری برای پرداخت مبلغ برات وجود ندارد، باقیمانده طلب دارنده بلا وصول خواهد ماند و ورشکستگانی که مقداری از مبلغ برات را پرداخت نموده‌اند، حق مراجعه به ورشکستگانی را که در مقابل آنها مسئول بوده‌اند را ندارند.

• مجموع مبالغی که به این ترتیب وصول می شود، زیادتر از مبلغ برات و متفرعات و مخارج آن است. در اینصورت چون دارنده برات بیش از طلب خود وصول می نماید، موظف است که مبالغ اضافی را مسترد دارد و این مبالغ اضافی جزو دارایی ورشکستگانی منظور خواهد شد که به ترتیب حق رجوع به ورشکسته ما قبل خود را دارند.

- هرگاه صادر کننده ورشکسته شود دارنده نمی تواند در مقابل طلبکاران برات مدعی شود که صاحب تمام محل برات است (یعنی او می تواند مدعی محل برات باشد اما نه تمام محل بلکه قسمتی از آن)، چه محل برات قسمتی از دارایی ورشکسته را تشکیل می دهد و باید میان تمام طلبکاران از جمله دارنده برات که حق او ناشی از خود برات است تقسیم شود. در اینصورت دارنده برات علاوه بر حق رجوع به دیگر مسئولان برات، می تواند وارد غرمای براتگیر شود ولی نمی تواند خود را شخصا و به تنهایی خارج از طلبکاران تلقی کرده و مدعی تمام محل برات شود.
- در فرضی هم که براتگیر با وجود در اختیار داشتن محل ورشکسته شده است باز هم قاعده بالا (قاعده عدم انتقال محل) باید اجرا گردد و محل برات جزو دارایی براتگیر (ورشکسته) خواهد بود و باید میان تمام طلبکاران از جمله دارنده برات تقسیم گردد.
- شاید فلسفه حکم مقرر در ماده 251 مبنی بر عدم امکان رجوع مدیر تصفیه ورشکستگان به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر این امر باشد که طلب هر یک از ورشکستگانی که وجه برات را به دارنده پرداخت کرده اند بعد از ورشکستگی ید ماقبل به وجود می آید و طبق مقررات ورشکستگی طلبکارانی که طلبشان بعد از حکم ورشکستگی به وجود می آید، نمی توانند در صف غرما قرار گیرند، بلکه باید بعد از خاتمه عملیات ورشکستگی، به خود تاجر مراجعه نمایند، بنابراین حکم ماده 251 بدین معنا نیست که ورشکسته ای که از اموال او وجه برات به دارنده پرداخت می شود هیچوقت نمی تواند به ید ماقبل خود رجوع کند. استدلال دیگری نیز وجود دارد که بیان می کند؛ وجه برات، متفرعات، و مخارج آن یک مرتبه به عنوان دیون ورشکسته به حساب آمده و اگر یک مرتبه دیگر از این بابت مبلغی مطالبه شود یک بدهی دو مرتبه حساب خواهد شد.
- از لحاظ اعمال مقررات بالا فرقی ندارد که مسئولان متضامن همزمان ورشکسته شوند یا یکی پس از دیگری.

❖ شرط محل برات:

- منبع محل برات که با خود محل برات متفاوت است، همیشه یکسان نیست.
 - برات سازشی براتی است که فاقد محل است و صادر کننده قصد ندارد حتی در سررسید محل آنرا نزد براتگیر تامین کند. فی الواقع برات سازشی عبارت است از براتی که متکی به عمل تجاری نیست و براتگیر بدون آنکه بدهی به براتکش داشته باشد رضایت می دهد بر روی او براتی کشیده شود تا به وسیله آن براتکش بتواند اعتباری تحصیل کند و براتکش متعهد می شود در سررسید وجه برات را پرداخت و آنرا از جریان خارج کند. **صدور برات سازشی از نظر حقوق ایران بلا اشکال است مگر آنکه جهت صدور برات نامشروع باشد.**
 - هرگاه برات سازشی به دلیل نامشروع بودن جهتش، باطل اعلام شود:
 - این بطلان در حقوق دارنده با حسن نیت در مقابل مسئولان برات تاثیر ندارد.
 - هرگاه براتگیر مبلغ برات سازشی را نپرداخته باشد:
- (1) برات دهنده که مجبور به پرداخت وجه آن است حق مراجعه به براتگیر را ندارد.
 - (2) دارنده **با سوء نیت** (نه با حسن نیت) برات سازشی نیز نمی تواند به براتگیر رجوع نماید و فقط حق رجوع به صادر کننده را دارد.
- اگر براتگیر مبلغ برات سازشی را پرداخته باشد چون برات در محدوده روابط او با برات دهنده باطل است بین او و برات دهنده روابط قراردادی وجود ندارد و بنابراین پس از پرداخت برات نمی تواند به استناد روابط برواتی به صادر کننده مراجعه نماید و در چنین صورتی براتگیر فقط می تواند با رعایت مقررات مدنی راجع به اصل دارا شدن بلاجهت علیه برات دهنده ای که به زیان او دارا شده است اقامه دعوا کند.
 - تئوری انتقال محل برات با صدور آن، **توجیه قانونی ندارد** و این نظر در مورد سفته و چک نیز جاری می باشد و نکات ذیل بیانگر همین مطلب است:
 - تئوری انتقال محل در رابطه با سند تجاری مطرح می گردد که قبل از ورشکستگی صادر و یا قبول شده باشد؛ زیرا چنانچه عمل صدور و یا قبول بعد از ورشکستگی باشد مشمول قواعد حاکم بر معاملات تاجر ورشکسته می شود.
 - در حقوق ایران حتی با درج شرط در خود برات نیز نمی توان انتقال محل برات را با صدور آن توافق نمود.

- اگر دارنده برات مواعد راجع به اخذ قبولی و پرداخت و مواعد اعتراض و نکول و عدم پرداخت را رعایت کرده باشد هم می تواند علیه کسی که محل نزد او است اقامه دعوا کند و هم علیه کسانی که محل برات نزد آنها نیست در این صورت دعوا ناشی از تعهدات براتی است و ارتباطی به محل برات ندارد.
- اگر دارنده خارج از نوبت های مقرر در قانون برای قبولی اقدام کرده یا به موقع اعتراض نکرده باشد، فقط می تواند به کسی مراجعه کند که محل برات نزد اوست اما مبنای حقوقی حق مراجعه دارنده به کسی که محل نزد اوست روشن نیست.
- نتیجه عدم پذیرش تئوری انتقال محل در مورد **صادر کننده ورشکسته** چنین می شود:
 - دارنده برات که در موعد های مقرر وظایف خود را عمل نموده است می تواند به صادر کننده مراجعه کند حتی اگر محل برات را قبلا به براتگیر رسانده باشد البته حق مراجعه دارنده به دیگر مسئولان برات نیز به قوت خود باقی است.
 - اگر دارنده برات خارج از مهلت های مقرر عمل کرده باشد:
 - هرگاه صادر کننده محل برات را به محال علیه رسانده و آنرا مسترد نکرده باشد دارنده برات نمی تواند وارد غرمای صادر کننده ورشکسته شود و فقط می تواند به محال علیه مراجعه کند.
 - هرگاه صادر کننده محل برات را مسترد کرده باشد دارنده حق خواهد داشت وارد غرمای صادر کننده شود و از جهت عدم رعایت مواعد حقی نسبت به دیگر مسئولان برات (به استثناء براتگیر) نخواهد داشت.
 - تاثیر عدم اجرای تئوری انتقال محل برات به روی تعهدات براتگیری که محل برات توسط صادر کننده ورشکسته نزد او تامین گردیده است در حقوق ایران چنین می شود که هرگاه صادر کننده ورشکسته شود، طلبکارانش می توانند مدعی مالکیت محل برات موجود در نزد براتگیر شوند یعنی برات را نادیده بگیرند. نتیجه اینکه با وجود تسلیم برات مدیر تصفیه صادر کننده می تواند محل برات موجود در نزد براتگیر را طلب موجود تلقی کند، علیه براتگیر اقامه دعوا کند. در این صورت از یکطرف دارنده برات فقط می تواند وارد غرمای صادر کننده شود و نمی تواند خود را خارج از طلبکاران تلقی کرده مدعی محل برات شود. از طرف دیگر دارنده

برات به خاطر خود برات طلبکار براتگیر خواهد بود و می تواند به او مراجعه کند این امر به دلیل مسئولیت تضامنی براتگیر است که از برات ناشی شده است و به اینکه محل نزد براتگیر است ارتباطی ندارد. در این حالت براتگیر بابت یک بدهی باید وجه برات را دوبار پرداخت کند، یکبار به دارنده برات یکبار به مدیر تصفیه صادر کننده ورشکسته. البته باید توجه داشت که بابت یکی از این پرداخت ها براتگیر می تواند داخل در صف غرمای صادر کننده ورشکسته شود.

➤ تنها در یک مورد مدیر تصفیه می تواند محل را مسترد کند و محال علیه که وجه را مسترد کرده است مسئول تلقی نمی شود منظور موردی است که مهلت اعتراض و ابلاغ اعتراض نامه و یا اقامه دعوا منقضی شده است که در اینصورت دارنده می تواند به مدیر تصفیه صادر کننده که محل را دریافت کرده است مراجعه کند.

• نتیجه عدم پذیرش تئوری انتقال محل در مورد براتگیر ورشکسته:

○ هرگاه براتگیری که محل در اختیار اوست ورشکسته شود دارنده نمی تواند در قبال طلبکاران براتگیر ورشکسته مدعی شود که صاحب تمام محل برات است، چه محل برات قسمتی از دارایی براتگیر ورشکسته را تشکیل می دهد و باید میان تمام طلبکاران از جمله دارنده برات که حقش ناشی از خود برات است تقسیم شود.

مبحث هفتم: در پرداخت

❖ شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است.

▪ هرگاه برات قبل از موعد پرداخت شده باشد، تنها دارنده واقعی مستحق دریافت وجه آن است و اگر پرداخت به شخص دیگری صورت گرفته باشد لزومی ندارد که شخص مستحق دریافت ثابت کند که براتگیر در پرداخت قبل از موعد برات دارای سوء نیت بوده و یا تقلب کرده است و دارنده واقعی را از مراجعه به قواعد عام معاف می کند.

- مواردی که وجه برات به علل قانونی مانند ورشکستگی، فوت، موضع ماده 238 (اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.) و ... قبل از سررسید پرداخت می‌شود از حکم ماده 256 مستثنی می‌باشد.
- ❖ اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهورنویسهای ماقبل خود و برات‌دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت.
- با توجه به اینکه در قانون تجارت صریحاً یا ضمناً ممانعتی نسبت به تمدید تاریخ سررسید برات و سفته نشده است و در مواد 257 به طور ضمنی تمدید مهلت سررسید پذیرفته شده است لذا با توجه به ماده 10 ق.م. تمدید مهلت برات از سررسید مقیده در آن به وعده دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد بلا اشکال است. در اینصورت تاریخ مندرج در ظهر برات و سفته ملاک عمل برای واخواست و سایر اقدامات قانونی است.
- البته باید در نظر داشت در صورتی که ظهورنویسانی وجود داشته باشند که بدین تمدید مهلت سررسید رضایت نداده باشند دارنده برات حق رجوع به آنها را از دست خواهد داد. (257)
- ❖ شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذمه محسوب می‌شود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.
- هرگاه با وجود توقیف قانونی وجه برات در نزد براتگیر وی وجه آنرا پرداخت کند مکلف خواهد شد یکبار دیگر نیز معادل وجه برات را به صاحبان حق پرداخت کند.
- با وجود آنکه در ق.ت. تودیع وجه برات پیش‌بینی نشده است، کسی که مسئول پرداخت وجه برات است می‌تواند مبلغ برات را در صندوق دادگستری ودیعه گذارد.
- اگر براتگیر به براتکش بدهکار نباشد حق رجوع به او را خواهد داشت اما این حق مراجعه ویژگی برواتی نخواهد داشت مگر آنکه پرداخت به عنوان شخص ثالث صورت گرفته باشد. درواقع براتگیر به هر دلیلی برات را قبول کرده باشد جانشین دارنده برات نمی‌شود هرچند که با قبول برات مسئولیت برواتی پیدا می‌کند. بنابراین حق استفاده از مقررات قانون تجارت در مورد برات را ندارد.

- ❖ اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می‌آید.
- ❖ اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می‌تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.
- ❖ اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد 261 - 262 و 263 به عمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقودی تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.
- ❖ اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف 24 ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و به ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات‌دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد.
- ❖ صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید - ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات‌دهنده برسد - مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود. ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.
- ❖ در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد 262 و 263) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هر گاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.
- ❖ اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویسها پری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند.
- ق.ت به موجب ماده 268 دارنده برات را مکلف می‌نماید که پرداخت جزئی برات را بپذیرد. در صورتی که صاحب برات حاضر به قبول چنین پرداختی نباشد براتگیر برای رفع مسئولیت از خود می‌تواند مبلغ جزئی برات را به صندوق دادگستری و یا ثبت تودیع کند.
- البته ماده 5 قانون صدور چک بر خلاف قاعده مذکور در صورتیکه موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک را در صورتی مکلف به پرداخت مبلغ موجود در حساب نموده است که دارنده تقاضا نماید.

- در صورتیکه پرداخت جزئی باشد دارنده مکلف نیست اصل برات را در اختیار براتگیر قرار دهد بلکه به او رسیدهایی می دهد و مراتب را روی ورقه برت قید می کند.

مبحث هشتم: تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

- ❖ هر شخص ثالثی می تواند فقط و فقط از طرف **برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها** وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید - دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.
- پرداخت به عنوان شخص ثالث باید در اعتراضنامه قید شود این نکته به این دلیل است که پرداخت شخص ثالث در صورتی مجاز است که براتگیر برات را نپردازد، هرگاه براتگیر حاضر به پرداخت برات باشد، پرداخت به عنوان شخص ثالث امکانپذیر نیست و تا اعتراضنامه تسلیم نشده باشد و به براتگیر ابلاغ نشود نمی توان به اینکه براتگیر برات را نپرداخته است یقین کرد.
- برای آنکه شخص ثالث بتواند برای دریافت وجهی که پرداخته است به به متعهدی که برای او پرداخت را انجام داده رجوع کند، قانونگذار قید کردن پرداخت وجه توسط شخص ثالث در برات را ضروری تلقی کرده است. زیرا در غیر اینصورت ممکن است پرداخت وجه به حساب براتگیر تلقی گردد.
- پس از پرداخت برات توسط شخص ثالث برات و اعتراضنامه باید به او تسلیم گردد تا بتواند با استناد به آنها به مسئولان برات مراجعه کند.
- پرداخت توسط شخص ثالث باید به طور کامل صورت گیرد تا موثر باشد، صرف قید پرداخت در اعتراضنامه که به برات الصاق می شود برای اثبات تحقق پرداخت کافی است.
- دارنده برات نمی تواند از پرداخت شخص ثالث سر باز زند. بنابراین هرگاه دارنده برات قصد تقاضای صدور حکم ورشکستگی براتگیر را داشته باشد با پرداخت وجه برات توسط شخص ثالث این حق دارنده زائل می گردد. دارنده ای که پرداخت مبلغ توسط شخص ثالث را رد می کند فی الواقع حق رجوع خود را نسبت به مسئولانی که با این پرداخت بری می شوند از دست می دهد.
- پرداخت باید در مهلتی که قانون معین نموده است صورت گیرد و الا موثر نخواهد بود این مهلت تا آخرین روزی است که براتگیر پس از ابلاغ و اخواست باید وجه برات را پرداخت کند.
- شخص ثالث فقط می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان وجه برات را پرداخت کند.

- اگر پرداخت شخص ثالث از طرف یکی از ظهرنویسان باشد، ظهرنویسان بعد از او و ضامنان آنها بری می شوند و پرداخت کننده ثالث می تواند به ذینفع و ایادی ماقبل مراجعه نماید.
- اگر پرداخت شخص ثالث از طرف برات دهنده باشد تمام ظهرنویسان و ضامنان بری می شوند و پرداخت کننده ثالث تنها می تواند به برات دهنده مراجعه نماید.
- ❖ شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.
- شخص ثالث پرداخت کننده وجه برات در صورتی دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است که از طرف آخرین ظهرنویس برات را پرداخته باشد.
- ❖ اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری‌الذمه‌اند.
- در صورتیکه شخص ثالث تصریح نکند که وجه برات را از طرف چه شخصی انجام می دهد، پرداخت را به حساب براتکش فرض می نمایند.
- ❖ اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیاده‌تری از مسئولین را بری‌الذمه می‌کند - اگر خود محال‌علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.
- هرگاه دارنده برات به نحوی که قانون تجارت معین کرده حاضر به قبول پرداخت از طرف شخص ثالث نشود حق مراجعه به کسانی را که بر اثر اجرای مفاد ماده اخیر از مسئولیت معاف می شوند نخواهد داشت.

مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات

- ❖ نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده است نخواهد داشت.
- وظایف دارنده را می توان در 3 عنوان کلی بر شمرد: 1- ارائه برات و تحصیل قبولی و انجام تشریفات قانونی در صورت عدم قبولی 2- اقدام برای دریافت وجه برات و انجام تشریفات قانونی در صورت عدم پرداخت 3- اقامه دعوا



- ❖ اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و برات‌دهنده که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده است نخواهد داشت.
- ❖ اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی‌تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.
 - این مورد تنها موردی است که در آن امکان محدود کردن مسئولیت ظهرنویس وجود دارد.
- ❖ مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات‌دهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.
 - این مورد اشاره به تکمیلی بودن مقررات مربوط به مهلت مطالبه و اخذ قبولی برات است.
- ❖ دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.
- ❖ امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود معلوم گردد.
 - در مورد برات به رویت جز در صورتیکه شرط خلاف در برات باشد (یعنی مهلت بیشتر یا کمتری در برات قید شده باشد) مراجعه دارنده در صورتی در مهلت تلقی می‌شود که ظرف یکسال از تاریخ صدور برات آن را به رویت رسانده باشد. در اینصورت اعتراض عدم تأدیه باید ظرف ده روز از زمان رویت برات توسط براتگیر صورت گیرد.
 - ق.ت ایران در مورد مهلت اعتراض نکول ساکت است ولی عرف و عادت، مهلت ده روز مقرر برای اعتراض عدم تأدیه را در مورد اعتراض **نکول** هم صحیح می‌داند. این مهلت از تاریخ مراجعه دارنده و ارایه برات به براتگیر آغاز می‌گردد.
- ❖ اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن به عمل خواهد آمد.
 - مهلت ده روز اعتراض در موارد زیر قابل تمدید است:
 - ✓ در مورد تقارن روز آخر مهلت اعتراض عدم تأدیه با تعطیلی (281)
 - ✓ هرگاه ارائه به دلیل فورس‌ماژور ممکن نباشد طبق قواعد کلی دارنده تا رفع فورس‌ماژور از اعتراض معاف است ولی پس از رفع آن فوراً باید اعتراض به عمل آید.
- ❖ الزامی بودن اعتراض عدم تأدیه: نه فوت محال‌علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.
- ❖ در صورتی که قبول‌کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

- ❖ دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف **ده روز** از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را حتماً به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به **کسی که برات را به او واگذار نموده** اطلاع دهد والا دارنده به تکلیف خود عمل نکرده.
- ❖ هر یک از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع‌نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.
 - عدم اجرای تکلیف مندرج در مواد فوق الذکر خطای دارنده تلقی می‌گردد و موجب مسئولیت دارنده می‌گردد. جز در مورد خطای دارنده، عدم ارسال اطلاع‌نامه ضمانت اجرایی دیگری ندارد و به دلیل عدم ارسال اطلاع‌نامه مزبور نمی‌توان دارنده را از حقوقی که به موجب قانون تجارت دارا شده است محروم نمود.
- ❖ اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته‌استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.
 - مبدا مهلت اقامه دعوا تاریخ اعتراض می‌باشد نه تاریخ ابلاغ وخواست.
- ❖ در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.
- ❖ هر یک از **ظهرنویسها** بخواهد از حقی که در ماده 249 به او داده شده استفاده نماید باید در مواعیدی که به موجب مواد 286 و 287 مقرر است **اقامه دعوی کند** و نسبت به او موعد **از** فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید **از** فردای روز تأدیه محسوب خواهد شد.
 - بدیهی است مراجعه هریک از ظهرنویسان به براتگیر و برات‌دهنده ای که محل را نزد براتگیر تامین **نموده** است مستلزم رعایت مواعد مندرج **نمی‌باشد**.
- ❖ اگر برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده، پس از انقضاء مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه او پذیرفته نمی‌شود و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت.

❖ پس از انقضای مواعید مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد. (مگر در مورد پائین)

❖ اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات‌دهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تأدیه برات به محال‌علیه رسانیده بود مسترد دارد **دارنده برات** حق خواهد داشت که بر علیه دریافت‌کننده وجه **اقامه دعوی نماید**. این دعوا فقط از کسی پذیرفته می‌شود که برات را در اختیار داشته باشد. (استثناء مورد بالا).

❖ پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه (نه نکول) اعتراض شده است **معادل وجه برات** را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید.

- مبلغ قرار تأمین خواسته صادره در ماده 292 به وجه برات محدود شده است.
- عدم پرداخت برات از طرف بازرگان دلیل بارزی است که بازرگان قادر به انجام تعهدات خود نمی‌باشد و به همین دلیل ممکن است وسیله تقاضای اعلام ورشکستگی تاجر گردد. با این ترتیب دارنده می‌تواند ضمن دادخواست خود تقاضای اعلام ورشکستگی تاجری را که وجه برات را پرداخت نمی‌کند نیز بنماید.

مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)

❖ اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید:

(1) در مورد نکول.

(2) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(3) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در یک نسخه (اصلی) [که این نسخه همان واخواست نامه اصلی می‌باشد که الصاق تمبر

مطابق رو نوشت یا اصل لازم نیست، اما نسخ دیگر باید تمبر داشته باشند.] تنظیم و به موجب امر محکمه

بدایت به توسط مأمور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

(1) محال‌علیه.

(2) اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالاقضاء معین شده‌اند.

(3) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

- برای مطالبه وجه از ظهرنویس نیازی به ابلاغ وخواست نامه به ایشان نمی باشد.
- اعتراض نامه باید فقط به محل اقامت اشخاص مزبور ابلاغ شود.
- ماده 293 فقط تنظیم یک نسخه اعتراض نامه را پیش بینی نموده است ولی در عمل اعتراض نامه لا اقل در سه نسخه تنظیم می گردد که یک نسخه آن اصلی و به براتگیر ابلاغ می شود و از دو نسخه دیگر با مراتبی که بعد از ابلاغ در آنها نوشته می شود یکی در دفتر دادگاه ضبط می گردد و دیگری تسلیم دارنده برات می شود. هرگاه مسئولان برات چند نفر باشند به تعداد هریک از آنها نسخه اضافی صادر می گردد.
- هرگاه برای محال علیه در برات شخص جانشینی معین شده باشد یا شخص ثالثی برات را قبول کرده باشد، برات باید به محال علیه، شخص جانشین، و شخص ثالث هر سه ارائه شود.

❖ اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

- (1) سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره.
 - (2) امر به تأدیه وجه برات.
- مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.
- هرگاه شرایط مندرج رعایت نگردد اعتراض باطل و بلا اثر است.

❖ هیچ نوشته نمی تواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد 261 (در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند). - 262 (اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می آید). و 263 (اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند). راجع به مفقود شدن برات.

❖ دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می دهند باید مفاد اعتراضنامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء

شده است ثبت نمایند - در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

- دفتر دادگاه می باید به موجب نامه سفارشی، یکی از برات دهنده یا ظهرنویس اول را (در صورتیکه محل اقامت آنها در برات قید شده باشد) از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم: برات رجوعی

❖ برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر می کند.

- اگر دارنده برات، به روی متعهد برات (برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان) براتی بکشد و سپس آن را تنزیل کند و بدین وسیله طلب خود را بدون مراجعه به دادگاه دریافت دارد، این نوع برات را برات رجوعی، برات مجدد، یا برات متقابل می نامند.

❖ به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود - در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می گردد:

- 1) اسم شخصی که برات رجوعی به عهده او صادر شده است.
- 2) مبلغ اصلی برات اعتراض شده.
- 3) مخارج اعتراضنامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره.

4) مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (299). [تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن] و [تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آنجا معامله یا تسلیم گردیده است و نرخ مکانی که برای رجوعی در آنجا صادر شده است]

- چون از روز اعتراض، خسارت تاخیر تأدیه به مبلغ برات اعتراض شده تعلق می گیرد شکی نیست که می توان **بهره تاخیر تأدیه** را نیز به مبلغ اصلی برات و هزینه های آن اضافه نمود.

❖ صورتحساب بازگشت باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراضنامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

❖ هر گاه برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد 300 و 301 باید تصدیقنامه که تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود.

▪ تصدیقنامه قسمت اخیر توسط مقامات رسمی بانکی تنظیم می گردد.

❖ نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمی توان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً به توسط ظهرنویسها پرداخته می شود تا به برات دهنده اولی برسد.

▪ به منظور جلوگیری از ازدیاد هزینه ها و نیز جلوگیری از اینکه هزینه های مزبور فقط به یکی از مسئولان برات تحمیل شود ماده 303 ترتیبات خاصی را در نظر گرفته.

❖ خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود.

مبحث دوازدهم: قوانین خارجی

❖ در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است. هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی - ضمانت - قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

❖ اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم

تذکره طلب: (سفت)



فصل دوم: در فته طلب

❖ فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

■ در برات در بدو امر 3 نفر دخالت پیدا می کنند (براتکش، براتگیر، دارنده برات) ولی در سفته 2 نفر در بدو امر دخالت می کنند (متعهد سفته که در حکم براتکش و در عین حال براتگیر است و دارنده سفته).

■ مطالبه وجه سفته **در سفته های عندالمطالبه** زمانی تحقق پیدا می کند که متعهد از نیت متعهد له برای مطالبه سفته مستحضر شود و این آگاهی وقتی قانوناً محقق می شود که مراتب از طریق **اظهار نامه رسمی** به بدهکار ابلاغ شده باشد. بنابراین در سفته های مذکور نحوه مطالبه وجه سفته ارسال اظهارنامه رسمی و زمان محاسبه و اخلاص تاریخ ابلاغ این اظهارنامه به بدهکار خواهد بود. اظهارنامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاه ها ابلاغ می شود.

❖ فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای **تاریخ** و متضمن مراتب ذیل باشد:

❖ (1) مبلغی که باید تأدیه شود **با تمام حروف**.

❖ (2) **گیرنده وجه**.

❖ (3) **تاریخ پرداخت**.

✓ اگر یکی از مندرجات مذکور در ماده 308 رعایت نشود نوشته مزبور مشمول مقررات سفته نخواهد بود. تبصره ماده 319 نیز سفته ای را که فاقد شرایط اساسی مذکور در ق.ت باشد را سند تجاری قلمداد نکرده و مشمول مرور زمان اموال منقول می داند.

■ نه سفته عمل تجاری است و نه چک ، دو سند اخیر فقط در صورتی تجاری است که برای امور تجارتی داده شده باشد.

■ از حیث صلاحیت، مرجع رسیدگی به دو سند چک و سفته یکی است و آن دادگاه حقوقی است. تنها فایده ای که از تفکیک این دو سند ممکن است رخ دهد در مورد مرور زمان 5 ساله ماده 318 به فرض برقراری آن است.

■ مندرجات سفته:

● مندرجات اختیاری: سفته نیز مانند برات بدلیل تشابه احکام سفته و برات می تواند متضمن

همان مندرجات اختیاری با توجه به اصل مندرج در ماده 309 باشد.



• مندرجات اجباری یا قانونی:

- امضا یا مهر صادر کننده
- تاریخ صدور: اگرچه لازم نیست که تاریخ تحریر سفته به تمام حروف نوشته شود، قید روز و ماه و سال تاریخ صدور سفته ضروری است و الا سفته اعتباری ندارد. زیرا منظور قانونگذار از قید تاریخ این است که روز و ماه و سال آن معین باشد.
- مبلغ سفته: تعیین مبلغ سفته با تمام حروف ضروری است اما عدم رعایت این امر سفته را از اعتبار نمی اندازد.
- نام گیرنده وجه: برخلاف برات که باید نام گیرنده برات (براتگیر) حتما قید شود و برات در وجه حامل اعتبار قانونی ندارد، در سفته می توان نام کسی که سفته به نفع او صادر می شود را ذکر نکرد و سفته را در وجه حامل صادر کرد. (چنانچه گیرنده وجه در سفته قید نگردد، سفته در وجه حامل محسوب می گردد)
- چون در برات صادر کننده در پی دریافت امضا و تایید براتگیر برای حصول قبولی است و در سفته قبولی مصداق ندارد و از همان ابتدا صادر کننده متعهد اصلی محسوب می گردد پس نمی توان سفته را در وجه خود صادر کرد و چنین عملی لغو و بیهوده به نظر می رسد و چنین سفته ای منجر به ایجاد سند تجاری نشده و قابلیت ظهر نویسی ندارد، اما براتی که به حواله کرد خود برات دهند صادر می شود قابل ظهر نویسی است ولو آنکه براتگیر هنوز آنرا قبول نکرده باشد.
- تاریخ پرداخت: مقررات راجع به تاریخ پرداخت برات با توجه به شباهت آن با سفته در مورد سفته نیز لازم الرعایه است.
- به نظر می رسد اگر سررسید در سفته درج نگردد سفته عند المطالبه محسوب می شود.
- سایر مندرجات الزامی سفته: با استفاده از قاعده وحدت ملاک می توان گفت که به طور کلی سایر مندرجات الزامی سفته همان مندرجاتی است که در مورد برات

مقرر است. به استثنای مواردی که مختص برات هستند. مثلاً در مورد مکان تادیه سفته نیز مقررات برات قابل اعمال است. بنابراین محل پرداخت با توجه به بند 6 ماده 223 ممکن است محل اقامت متعهد باشد یا محلی دیگر. البته درج مکان تادیه جز در مورد برات الزامی نیست. به نظر می رسد اگر محل صدور یا اقامت صادر کننده در سفته درج نگردد محل تادیه، محل صدور یا اقامت صادر کننده محسوب می گردد.

- افزایش مبلغ مندرج در سفته **با توافق طرفین** قانوناً بلا اشکال است؛ چون الصاق تمبر اضافی طریقی برای وصول مبلغ اضافی به نفع خزانه دولت است و به هر نحو که عملاً امکانپذیر باشد انجام خواهد گرفت.
- با توجه به اینکه در قانون تجارت صریحاً یا ضمناً ممانعتی نسبت به تمدید تاریخ سررسید برات و **سفته** نشده است و در مواد 307 و 308 و 257 به طور ضمنی تمدید مهلت سررسید پذیرفته شده است لذا با توجه به ماده 10 ق.م. تمدید مهلت برات از سررسید مقیده در آن به وعده دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد بلا اشکال است. در اینصورت تاریخ مندرج در ظهر برات و **سفته** ملاک عمل برای واخواست و سایر اقدامات قانونی است.
- البته باید در نظر داشت در صورتی که ظهرنویسانی وجود داشته باشند که بدین تمدید مهلت سررسید رضایت نداده باشند دارنده برات حق رجوع به آنها را از دست خواهد داد.

❖ تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.

- سفته از مقررات مربوط به وعده برات، ظهرنویسی، مسئولیت، پرداخت، تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث، حقوق و وظایف دارنده برات، اعتراض، برات رجوعی و قوانین خارجی پیروی می نماید. و از مقررات **قبولی شخص ثالث، ارائه و قبولی، نکول و اعتراض نکول، نتایج حاصل از نکول و تعدد نسخ** تبعیت نمی کند.

- چنانچه دارنده سفته در موعد قانونی نسبت به واخواست سفته اقدام نکند موجب سلب 2 اثر از وی می شود:

- مسئولیت تضامنی ظهرنویسان زائل می گردد.
- عدم امکان صدور قرار تامین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی طرف، زیرا سند تجاری بدون واخواست نامه به صورت یک سند عادی اقرار به دین در می آید که مطابق مواد 230 و 307 به عنوان یک سند عادی قابل مطالبه است.
- بعد از فوت متعهد سفته و قبل از رسیدن اجل مقرر، اعتراض عدم تادیه از تاریخ فوت به عمل نمی آید و ماده 231 ق.ا.ح هم که حکم به حال شدن دیون موجب متوفی نموده است در حقیقت امتیازی است که قانون در مقام تعیین تکلیف ترکه برای طلبکاران در صورت فوت متعهد شناخته است و استفاده یا عدم استفاده از این حق در اختیار دارنده سفته بوده و تاثیری در سررسید و ضمانت ظهرنویسها و سایر مقررات مربوط به سفته ندارد. بدین معنا که طلبکاران متعهد سفته می توانند در صورت فوت وی طلب خود را دریافت دارند، در صورتیکه پس از فوت متعهد به دریافت وجه سفته نایل نشوند فقط می توانند در انقضای سررسید و ظرف موعد مقرر واخواست عدم تادیه علیه متعهد بنمایند. همچنین مسئولیت تضامنی ظهرنویس به تبعیت متعهد فوت شده تبدیل به حال نمی شود ولی اگر ظهرنویس فوت نماید دین فقط نسبت به او حال می شود و حال شدن دین ظهرنویس هم تاثیری در مسئولیت متعهد ندارد و در صورتیکه دارنده سفته پس از فوت ظهرنویس طلب خود را از ترکه متوفی دریافت ننماید فقط در تاریخ سررسید می تواند واخواست عدم تادیه به نام متعهد بنماید.
- سفته ای که توسط شخص دارنده حق امضا به نمایندگی از طرف شرکت امضا شده است در صورت واخواست فقط علیه شرکت می توان طرح دعوا نمود و وجه سفته را مطالبه کرد نه علیه شخص امضا کننده که به نمایندگی از طرف شرکت امضا کرده است. و این سفته اگر توسط شخص دیگری اعم از اینکه مدیر عامل یا رئیس هیات مدیره باشد یا شخص ثالث تضمین یا توسط دارنده ظهرنویسی شود در صورتیکه رعایت مقررات ماده 249 شده باشد علیه ضامن و ظهرنویس هم می توان طرح دعوا نمود و وجه سفته را از آنان هم با شرکت مطالبه کرد و استعفا او از سمتی که حین امضای سفته داشته تاثیری در موضوع ندارد.
- لازم به ذکر است موارد فوق در مورد برات نیز جاری است ولی در مورد چک رویه متفاوتی حاکم است.

فصل سوم

چک



فصل سوم: چک

❖ چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.

■ چون قانون صدور چک فقط شامل چک‌های صادره بر عهده بانک‌هاست لذا اوراقی که صندوق‌های قرض الحسنه و موسسه مالی و اعتباری بنیاد مستضعفان به شکل چک در اختیار مشتریان می‌گذارد مشمول آن قانون نیست و ممکن است حسب مورد مشمول ق.ت یا ق.م گردد.

❖ در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد - پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

■ صورت چک عادی: مندرجات الزامی

- قید کلمه چک روی ورقه: ق.ت این شرط را ضروری ندانسته ولی قانون متحد الشکل ژنو راجع به چک این شرط را الزامی می‌داند.
- دستور پرداخت بدون قید و شرط: به موجب ماده 3 ق.ص. چ مقید یا مشروط بودن دستور پرداخت موجب بطلان یا خارج شدن سند از عداد اسناد تجاری نیست بلکه قید یا شرط در نظر بانک کان لم یکن تلقی می‌شود ولی در دادگاه در برابر دارنده قابل استناد است. البته اگرچه چک مشروط با حفظ وصف سند تجاری همچنان مشمول ق.ت خواهد بود ولی چنین چکی قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد.
- ذکر دلیل و سبب صدور چک آن را مقید و مشروط نمی‌سازد.
- بدیهی است که در چک هرچه، جز مبلغ نوشته شود چک را از اعتبار می‌اندازد.

- نام پرداخت‌کننده: ماده 310 ق.ت به اینکه محال‌علیه چک الزاماً باید یک بانک باشد اشاره نکرده است ولی ق.ص. چ فقط از دارندگان چک‌هایی که بر روی یک بانک کشیده شده باشد حمایت می‌کند به این دلیل چک‌ها در عمل فقط بر روی بانک‌ها کشیده می‌شود.

- قید مکان پرداخت: هرگاه مکان پرداخت روی ورقه چک قید نشده باشد، محل پرر پرداخت بر اساس مقررات مربوط به برات تعیین می‌شود.



• قید تاریخ صدور: هرگاه به حروف نوشته نشده باشد از اعتبار چک به عنوان سند تجاری کاسته نمی شود.

• قید نام دارنده چک: صدور چک در وجه حامل بلا اشکال است.

• امضای چک: بر خلاف برات و سفته که با مهر صادر کننده نیز معتبر است چک فقط در صورتی صحیح صادر شده است که به امضای صادر کننده رسیده باشد. اثر انگشت صادر کننده امضای او محسوب می گردد.

– هرگاه صدور چک از ناحیه شرکت باشد و مدیر از حدود اختیارات تفویض شده در اساسنامه تجاوز کند و این تحدید اختیارات مدیر در برابر اشخاص ثالث قابلیت استناد داشته باشد، در اینصورت نسبت به مبلغ مازاد خود مدیر مسئول می باشد. بدیهی است چنانچه تحدید اختیارات مدیر در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نباشد، شرکت موظف به انجام تعهدات خود و متعاقباً دارای حق رجوع به مدیر متعهد خواهد بود.

• تعدد نسخ: قواعد راجع به تعدد نسخ در برات را نمی توان در مورد چک نیز اعمال کرد.

▪ مندرجات اختیاری:

• تعیین نام کسی که چک در وجه او صادر می شود.

• قید ضمانت

• قید عدم ظهرو نویسی

• قید علت صدور چک

❖ چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد – ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

▪ در وجه حامل: هرگاه نام دارنده بر روی چک مشخص نشده باشد و یا عبارت در وجه حامل در آن قید نشود، چک در وجه حامل تلقی می شود.

○ با توجه به عدم منع قانونگذار، چک ممکن است در وجه شخص معین صادر شده باشد

ولی متضمن عبارت « یا در وجه حامل » نیز باشد. در اینصورت نیز چک در وجه حامل

محسوب می گردد.

- این سند هرچند در وجه حامل تلقی شده و بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است اما صادر کننده از این طریق دلیلی به سود خود فراهم کرده و به آسانی ثابت می کند که او سند را به کدام شخص تسلیم نموده است هرچند سند به گردش در آید.

- در وجه شخص معین: چنین چکی را فقط شخص تعیین شده می تواند وصول کند.
- به حواله کرد شخص معین: چک ممکن است به حواله کرد شخص معین باشد و یا «در وجه شخص معین و یا به حواله کرد او» باشد. چنین چکی مانند چک در وجه حامل قابل ظهر نویسی است.

❖ هرگاه چک به صورت «در وجه شخص معین یا به حواله کرد او» صادر شده باشد انتقال آن به وسیله ظهر نویسی و تسلیم سند به عمل می آید.

❖ چک واریز به حساب در قوانین ما تعریف نشده با این وجود از آنجا که بانکها به موجب قرارداد حساب جاری، اصولاً مکلف به تبعیت از دستور صاحب حساب هستند، چنانچه چک در وجه حساب جاری صادر شود، با علم به اینکه حساب جاری شخصیت حقوقی ندارد تا بتوان در وجه او چک صادر نمود، چنین تلقی می کنند که چک در وجه صاحب حساب صادر شده است اما دارنده حق ندارد که آنرا نقداً وصول کند. چنانچه صادر کننده چک در وجه شخص معین به حساب معینی در متن چک تصریح کند، متن چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

❖ هرگاه در ورقه چایی چک، قید حواله کرد خط خورده باشد، یا درج شرط غیر قابل ظهرنویسی، چک قابل ظهرنویسی نیست. مع ذلک، خط خوردگی قید «حواله کرد» بدین معنا نیست که چک از طریق مدنی قابل انتقال نباشد. میتوان بر این نظر بود که ظهرنویسی سند تجاری که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنای مشابه منع شده است، انتقال عادی است.

❖ چک در وجه حامل می تواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به غیر انتقال یابد که البته در این صورت نیز می توان چک را ظهرنویسی کرد. بنا براین ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که چک به نام او منتقل می شود هم چنین تاریخ انتقال قید شود در غیر اینصورت دارنده چک مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر یا انتقال آن بدون ظهرنویسی است. زیرا چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) بدون ظهرنویسی نیز قابل نقل و انتقال است.

❖ در **ظهنویسی** می توان نام کسی را که برات به او انتقال داده می شود قید نمود (یعنی می توان هم قید نمود). بنابراین می توان نتیجه گرفت که سند تجاری به صرف امضا نیز قابل انتقال بوده و بدین ترتیب سند تجاری در وجه شخص معین به سند در وجه حامل تبدیل گردد. اما قابلیت تبدیل سند در وجه حامل به سند در وجه شخص معین پذیرفته نمی شود.

❖ ظهر نویس می تواند ظهنویسی مجدد را منع کند.

❖ ظهنویسی چک با استفاده از مهر ممکن نیست و مشمول مقررات مربوط به چک نمی شود.

❖ چنانچه ظهنویسی توام با شرط باشد این شرط برای بانک بلا اثر است ولی ظهنویسی معتبر است. و این شرط برای محاکم معتبر است.

❖ ظهنویسی جزئی از مبلغ چک مجاز است ولی از آنجا که فی الواقع عمل بدان ایجاد اشکال می کند عملاً اجرا نمی گردد.

❖ ظهنویسی چک پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت مجاز است.

❖ ظهنویسی حاکی از انتقال چک است مگر اینکه ظهنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در اینصورت انتقال چک واقع نمی شود اما وکیل اختیار وصول، وخواست کردن و مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد. وکالت در وصول چک با فوت یا حجر ظهنویس یا موکل منتفی می گردد.

❖ ظهنویسی چک موجب انتقال مالکیت محل آن نیست بنابراین هرگاه صادر کننده چک پس از صدور آن ورشکسته شود، دارنده چک برای دریافت طلب خود باید وارد غرما شود زیرا مالکیت محل برات به او منتقل نشده است.

❖ تسلیم چک برای پرداخت، پرداخت به مفهوم حقوقی کلمه نیست. یعنی موجب سقوط تعهد صادر کننده که ناشی از قرارداد اصلی است نمی شود. بنابراین تسلیم چک موجب سقوط تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید به نفع متعهد له نیست. بدین علت هرگاه معامله اصلی متضمن ضمانتی به نفع دارنده چک باشد، صدور چک و تسلیم آن، ضمانت ضامن معامله مزبور را منتفی نمی کند، زیرا اگرچه تعهد به پرداخت توسط چک، تبدیل تعهد نیست، حتی اگر تبدیل تعهد هم باشد، باز دلیل قانونی به سقوط تعهد اصلی و ایجاد تعهد براتی وجود ندارد و مقتضای اصل بقای آن است.

❖ ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.

❖ مسئولیت تضامنی ضامن در کادر مسئولیت مضمون عنه اوست و هرگاه به دلایلی نتوان به مضمون عنه مراجعه کرد حق مراجعه نیز به ضامن وجود نخواهد داشت مگر اینکه نداشتن حق مراجعه به دلیل عدم

اهلیت یا عدم رضا باشد که در اینصورت به دلیل حاکمیت اصل استقلال امضاها حق مراجعه به ضامن همچنان محفوظ است.

❖ صادر کننده یا صادر کنندگان ، ظهرنویسان و بانک تایید یا تضمین کننده در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارند و فرقی نمی کند دین دلیل صدور چک تجاری یا غیر تجاری باشد.

❖ ظهرنویس می تواند با تصریح به عدم مسئولیت در ضمن ظهرنویسی خود را از قید مسئولیت در نظر گرفته شده برای او معاف دارد زیرا این تصریح ، شرط تلقی نمی گردد بلکه تحدید اختیارات و مزایای دارنده است.

❖ وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

▪ چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور ، موخر بر تاریخ واقعی صدور باشد چک همچنان معتبر است. با این حال مسئولین سند از حیث رعایت مهلت ارائه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

▪ چنانچه صادر کننده چک فوت کند یا محجور شود این امر موثر در اعتبار چک های صادر شده نیست.

▪ تکالیف بانک در پرداخت وجه چک:

- بانک باید در صورت وجود محل وجه چک را پرداخت نماید. و هرگاه بدون دلیل خود داری نماید مسئول جبران خسارات است.

- نسبت به صادر کننده و دیگر مسئولان چک بانک در پرداخت وجه باید رعایت احتیاط های لازم را در حدود عرف بانکداری معمول دارد.

- در صورتی که بانک تشریفات قانونی پرداخت را رعایت نکرده باشد نیز مسئول است.

- هرگاه چک در وجه شخص معین باشد بانک مکلف است هویت دارنده را بررسی کند ولی هرگاه چک در وجه حامل باشد بانک مکلف به بررسی هویت نیست.

- توجه: در صورت جعلی بودن چک و پرداخت آن بانک مسئولیتی ندارد. لکن هرگاه چک متضمن امضایی باشد که به وضوح با امضای نزد بانک تطبیق نمی

کند بانک در صورت پرداخت مسئول خواهد بود. به عکس هرگاه چک به نحو ماهرانه جعل شده باشد بانک مسئول محسوب نمی شود.

❖ صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

▪ اگر چک از طرف تاجر برای امور تجاری او صادر شود عمل او تجاری محسوب می گردد. باید دقت داشت که صدور چک از طرف تاجر برای امور غیر تجاری عمل تجاری محسوب نمی گردد.

▪ مفقود شدن چک و نحوه مطالبه آن:

- دارنده چک مفقود شده پس از اثبات اینکه چک متعلق به او بوده، مسئولیت صادر کننده و ظهرنویسان همانند قبل از فقدان احیا و بر طبق قانون تجارت این مسئولیتها که تضامنی خواهد بود ادامه خواهد یافت، بنا براین با توجه به مسئولیت تضامنی ظهرنویسان دارنده چک مفقود شده می تواند علیه صادر کننده و ظهرنویسان منفرداً یا مجتمعاً اقامه دعوا کند.

- دارنده چک مفقود شده پس از اثبات اینکه آن چک متعلق به او بوده بایستی ضامنی هم به دادگاه معرفی کند که در صورت قبول دادگاه، آنگاه امر به تادیه وجه صادر خواهد کرد. به عبارت دیگر شرط صدور حکم به تادیه وجه چک مفقود شده از سوی دادگاه آن است که دارنده چک مفقود شده علاوه بر اثبات اینکه آن چک متعلق به او بوده، ضامن هم به دادگاه معرفی کند در ضمن ضمان مطرح شده تضامنی بوده یعنی ضم ذمه به ذمه (نه ضمان عقدی موضوع قانون مدنی که نقل ذمه به ذمه است).

▪ باید پذیرفت مهلت اعتراض چک همان مهلت ارائه چک معین گردیده در مواد 315 و 317 ق.ت می باشد یعنی: اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

❖ اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه **ظهنویس** مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.

▪ اگرچه وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوای دارنده چک علیه صادر کننده در صورتی در محکمه مسموع نیست که در ظرف مواعد مذکوره در این ماده و مواعد (یک سال و دو سال از تاریخ اعتراض) ماده 286 و 287 مورد مطالبه قرار نگرفته باشد.

▪ شرایط طرح دعوا علیه ظهنویس:

A. وجه چک در مواعد مقرر در مواد 315 و 317 مطالبه شود یعنی اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. - مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

محل صدور	مکان پرداخت	موعد مطالبه از بانک از تاریخ صدور
ایران	ایران و همان مکان صدور	پانزده روز
ایران	ایران و در محلی غیر از مکان صدور	چهل و پنج روز
خارج	ایران	چهار ماه
ایران	خارج	ق.ت موعدی برای مطالبه تعیین نکرده

B. عدم پرداخت وجه چک به وسیله گواهینامه عدم پرداخت محرز شده باشد.

C. ظرف موعد مقرر در ماده 286 و 287 (یک سال و دو سال) اقامه دعوا شود.

محل صدور	مکان پرداخت	موعد اقامه دعوا	مبدا دعوا
ایران	ایران	یکسال	تاریخ گواهی عدم پرداخت
خارج	ایران	یکسال	تاریخ گواهی عرم پرداخت
ایران	خارج	دو سال	تاریخ گواهی عدم پرداخت

✓ هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه چک باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

✓ در مورد برواتی که باید در خارج تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه ظهنویس های مقیم ایران (دقت شود که فقط ظهنویسان مقیم ایران) در ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.

❖ کسی که وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگر چه چک در وجه حامل باشد. (شرط وصول)